

آیا حفاظت از طبیعت می تواند نگاه جهان به تنگه هرمز را تغییر دهد؟

تنگه هرمز

گلوگاه اکولوژیک

با وجود نبود آمار دقیق، مسئولان از روند افزایشی مصرف مواد مخدر در میان زنان خبر می دهند

در حصار

انگ اجتماعی

اعتیاد یکی از بزرگترین آسیب‌های هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. هرگاه از آن سخن به میان می‌آید، ذهن‌ها بیشتر به سمت مردان جامعه می‌رود. این تصویرسازی سال‌هاست بر سیاست‌گذاری، آمارگیری و حتی نگاه عمومی سایه انداخته است. با این حال، اعتیاد چهره‌ای زنانه نیز دارد؛ زنانی که کمتر در میان آمارها دیده می‌شوند و به دلایلی مانند انگ‌های اجتماعی، مصرف خود را پنهان می‌کنند و شاید کمتر از مردان برای درمان مراجعه کنند. هرچند گفته می‌شود سهم زنان از جمعیت مصرف‌کنندگان مواد مخدر در ایران کمتر از مردان است، مسئولان مبارزه با مواد مخدر از روندی خبر می‌دهند که می‌تواند به یکی از چالش‌های آینده اجتماعی کشور تبدیل شود. این روند با افزایش گرایش زنان به

رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست از اقدامات فرهنگی برای نه گفتن به پلاستیک خبر داد

گام‌های متزلزل

به سوی حذف پلاستیک

خوانشی دلوزی از بحران‌های میراث

حکمرانی متمرکز و ستیز با فرهنگ و طبیعت ایران

ظاهر عمودی درختان، تأکید خود را بر ریزوم‌ها قرار دادند که به‌صورت افقی و در همه جهات پیش می‌روند. بر این اساس، آن‌ها تفکر درختی و تفکر ریزومی را در برابر یکدیگر قرار می‌دهند. در واقع، دلوز در برابر الگوی درخت، از مفهوم ریزوم سخن می‌گوید. درخت نماد تفکری است که بر یک مرکز، یک ریشه، یک سلسله‌مراتب و یک مسیر واحد استوار است. در مقابل، ریزوم ساختاری افقی، چندمرکزی و پیوسته در حال گسترش دارد که در آن هیچ نقطه‌ای بر دیگری برتری ذاتی ندارد و حیات آن از تکرر و اتصال همه انشعاب‌ها ناشی می‌شود. این مفهوم فقط یک استعاره گیاه‌شناختی نیست، بلکه نقدی بنیادین بر همه ساختارهایی است که می‌کوشند پیچیدگی زندگی را در قالب نظم‌های متمرکز و سلسله‌مراتبی سامان دهند. حال اگر از این چارچوب نظری، وضعیت میراث فرهنگی و طبیعی ایران را تحلیل کنیم، می‌بینیم که ذات میراث، چه فرهنگی و چه طبیعی، ماهیتی ریزومی دارد. یک محوطه تاریخی صرفاً یک اثر ثبت‌شده نیست؛ بلکه گریه‌ای است که در شبکه‌ای از روابط میان حافظه جمعی جامعه، آیین‌ها، زبان، معماری، اقتصاد محلی، چشم‌انداز طبیعی و تجربه زیسته مردم قرار دارد. همان‌گونه که یک تالاب یا جنگل تنها یک اکوسیستم طبیعی نیست، بلکه بخشی از شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که طی

احجت‌الله مرادخانی

پژوهشگر صنایع دستی و مدیرین دانشگاه

بحران امروز میراث فرهنگی و طبیعی ایران را نمی‌توان تنها با تکیه بر واژه‌هایی مانند ضعف مدیریت، کمبود اعتبارات یا نبود نظارت مؤثر تشریح کرد. این موارد بخشی از واقعیت تلخ موجود هستند، اما لایه عمیق‌تر این بحران در گونه‌ای از منطق حکمرانی نهفته است؛ منطقی که میراث فرهنگی و طبیعی ایران را موضوعی قابل‌کنترل، قابل‌برنامه‌ریزی از بالا به پایین و قابل‌تقلیل به پروژه‌های صرفاً آداری تلقی می‌کند. برای روشن شدن این وضعیت، با استفاده از مفهوم «ریزوم» در اندیشه ژیل دلوز و فلیکس گتاری، به ابعاد مختلف این مسئله می‌پردازم.

ژیل دلوز، فیلسوف شهیر فرانسوی، در کتاب «هزار فلات» که با همکاری فلیکس گتاری تألیف کرده است، با تأکید بر استعاره ریزوم، کنشگری انسان‌ها و شیوه‌ای از اندیشیدن را مشابه اثر بخشی ریزوم (زمین‌ساقه) در حفظ حیات گیاه می‌داند. دلوز و گتاری با اشاره به

روزنامه

سالنامه

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۴۴ | دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |

www.payama.ir

دولت مقرر کرده است که اراضی ملی مشمول ماده ۴ با تخفیف ۹۰ درصدی به متقاضیان روستایی واگذار شود

حراج «اراضی» ملی در روستاهای گیلان



طرح محنتی ملازاده | پیام ما

یادداشت

قرن‌ها و هزاره‌ها شکل گرفته است. اما شوربختانه حکمرانی موجود غالباً این شبکه پویا را از چنین منظری نمی‌بیند. نگاه آن‌ها غالباً نگاهی درختی است؛ تصمیم‌ها در مرکز گرفته می‌شوند، دانش تنها در اختیار دستگاه اداری فرض می‌شود و جامعه محلی، در بهترین حالت، به مشاور یا مجری سیاست‌های از پیش تعیین‌شده ستادی تقلیل می‌یابد. در این الگوی مدیریتی، حفاظت از میراث به معنای اعمال کنترل بیشتر بر همه چیز است، نه تقویت روابطی که خود میراث را زنده نگه داشته و می‌دارند. حاصل چنین رویکردی را می‌توان در بسیاری از تعارض‌های رخ داده در سال‌های اخیر به‌وضوح مشاهده کرد؛ از مداخلات عمرانی در بافت‌های تاریخی گرفته تا پروژه‌هایی که بدون درک پیوند میان طبیعت، فرهنگ و زندگی روزمره اجرا شده‌اند و می‌شوند. در اغلب این موارد، مسئله فقط تخریب یک بنا یا یک چشم‌انداز طبیعی نیست؛ بلکه گسستن رشته‌هایی است که مردم را به مکان، گذشته و هویت جمعی‌شان متصل می‌کند. در برابر این الگوی درختی، دلوز معتقد است قدرت فقط در نهادهای رسمی مستقر نیست؛ بلکه در شبکه‌ای از روابط، گفتمان‌ها و شیوه‌های اداره جامعه جریان دارد. بنابراین، مقاومت نیز الزاماً از یک مرکز فرماندهی آغاز نمی‌شود. شبکه‌های کنشگران میراث فرهنگی و طبیعی، انجمن‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، پژوهشگران، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و شهروندان دغدغه‌مند، مصداقی از سازمان‌یافتگی ریزومی هستند. این گروه‌ها بدون آنکه سلسله‌مراتب سختی داشته باشند، از طریق

ارتباطات، تبادل دانش و همبستگی اجتماعی عمل می‌کنند و در بسیاری از موارد توانسته‌اند از تخریب میراث فرهنگی و طبیعی جلوگیری کنند یا دست‌کم آن را به مسئله‌ای عمومی تبدیل کنند و از طریق پیگیری‌های مدنی، از وقوع خسارت پیشگیری کنند. از این منظر، ریزوم صرفاً توصیف یک شبکه نیست؛ بلکه الگویی برای حکمرانی نیز به شمار می‌رود. اگر میراث فرهنگی و طبیعی را شبکه‌ای از روابط بدانیم، سیاست‌های حفاظت و پاسداری نیز باید بر تقویت همین روابط استوار باشد. مشارکت واقعی جوامع محلی، به‌رسمیت شناختن دانش بومی، شفافیت در تصمیم‌گیری، گفت‌وگو با دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، نه اقدامات جانبی این فرایند، بلکه عناصر اصلی حکمرانی میراث خواهند بود. به عبارت دیگر، این نگرش نقدی ریشه‌ای بر توسعه‌گرایی متمرکز حاکم بر نهادهایی مانند وزارت میراث فرهنگی است؛ توسعه‌ای که ارزش یک مکان را صرفاً بر اساس کارکرد اقتصادی یا عمرانی آن می‌سنجد. توسعه‌ای که حافظه تاریخی و زیست‌بوم فرهنگی را نادیده می‌گیرد، در واقع شبکه‌ای را تخریب می‌کند که بازسازی آن، حتی با صرف منابع و زمان فراوان، دیگر ممکن نیست. به بیان دیگر، بحران میراث فرهنگی و طبیعی ایران بیش از آنکه بحران حفاظت باشد، بحران فهم است؛ بحرانی ناشی از ناتوانی در درک ماهیت شبکه‌ای و زنده میراث فرهنگی و طبیعی. تا زمانی که حکمرانی موجود بر اساس منطق درختی، تمرکزگرایی و تصمیم‌گیری یک‌سویه استوار باشد، تخریب نیز به اشکال گوناگون ادامه خواهد یافت.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

راز دولتخانه صفوی در زیر خاک

سرپرست کاوش‌های «کاخ جهان‌نما» در گفت‌وگو با «پیام ما» از این کاوش ناتمام می‌گوید

پس از رنج گشایش در راه است

گفت‌وگوبا «شمس لنگرودی» به بهانه انتشار کتاب «صیور مثل بذر زمستان»

نگاه کارشناس

آزمون حکمرانی بر انفال



انسیم طواف‌زاده |
امدیرعامل مؤسسه
سبزکاران بالان |

یادداشت

جنگ، انزوای دانشمندان محیط‌زیست ایرانی را آشکارتر کرد



اجان کنون |
روزنامه‌نگار |

یادداشت

آسیب‌شناسی خاموش کردن مطالبه‌گری مدنی در چابهار



ایونس زین‌الدینی |
افعال اجتماعی |

دیدگاه

مسیر دوچرخه در اجاره دستفروشان



اکوروش قاسمیان |
رئیس کمیته همگانی
فدراسیون دوچرخه‌سواری |

دیدگاه

چگونه با سانسور هم‌دست شدیم؟



بابک احمدی |
روزنامه‌نگار |

آگهی مناقصه عمومی

یک شرکت دولتی

شناسه آگهی:

۲۲۲۳۹۱۳ الف:۱۱۲۰

آگهی در صفحه ۶

آگهی مناقصه عمومی

طراحی، تامین، اجرا، تست و راه‌اندازی شبکه برق رسانی

به پله ۱۳ و ۱۷ معدن سنگ آهن شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

(مناقصه شماره 13-TC-405)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به منظور «طراحی، تامین، اجرا، تست و راه‌اندازی شبکه برق رسانی به پله ۱۳ و ۱۷ معدن» این شرکت را از طریق مناقصه عمومی به همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی و فنی، شناسایی و انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست ابتدا نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق آدرس ایمیل ذیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند. متقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های خالی مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع سیرجان یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس سیرجان کیلومتر ۵ جاده شیراز مجتمع معدنی و صنعتی گهرزمین، دبیرخانه کمیسیون معاملات تحویل دهند.

شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- گواهی‌نامه صلاحیت طرح و ساخت صنعتی «رشته نیروبر شاخه پست، انتقال و توزیع نیرو» حداقل رتبه ۴ از سازمان برنامه و بودجه
- پیمانکار باید سابقه کار مشابه (طراحی، تامین، اجرا، تست و راه‌اندازی شبکه برق رسانی کابلی و اجرای پست‌های کمپکت و یا سیار فشار متوسط) داشته باشد.
- گواهی صلاحیت پیمانکاری و ایمنی از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی با تاریخ معتبر
- ارائه معرفی نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شماره ۵۷۷۹۵۷۲۱ و شماره ۵۷۷۹۵۷۲۱ شعبه ۵۷۷۹۵۷۲۱ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۷۷۹۵۷۲۱ و شماره ۵۷۷۹۵۷۲۱ شعبه ۵۷۷۹۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین جهت شرکت در مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار «طراحی، تامین، اجرا، تست و راه‌اندازی شبکه برق رسانی به پله ۱۳ و ۱۷ معدن» شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین
- مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۷ تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ ساعت ۱۲:۰۰
- متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و فلش مموری (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.
- کارفرما در انتخاب شرکت‌ها جهت دعوت به مناقصه و همچنین در رد یا قبول پیشنهاد پیمانکاران بر اساس صلاحدید خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حقی برای ایشان در خصوص تصمیمات کارفرما در بر نخواهد داشت.
- جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۷ و ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۶ و آدرس الکترونیکی (Tc@Goharzamin.Com, Goharzamin.tc@gmail.com) مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین



شهزاد آید

با وجود نبود آمار دقیق، مسئولان از روند افزایشی مصرف مواد مخدر در میان زنان خبر می‌دهند

در حصار انگ اجتماعی

چهره زنانه اعتیاد را کسی نمی‌بیند

اعتیاد زنان یکی از ناشناخته‌ترین آسیب‌های اجتماعی ایران به شمار می‌رود. از یک سو، مسئولان از افزایش گرایش زنان به مصرف مواد در سال‌های اخیر خبر می‌دهند و از سوی دیگر، درمانگران معتقدند انگ اجتماعی باعث شده است بسیاری از زنان به دلیل مراجعه‌نکردن برای درمان، هرگز در آمارهای رسمی ثبت نشوند. این شکاف نشان می‌دهد برای مواجهه با این آسیب، تنها درمان کافی نیست و تغییر نگاه جامعه نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

اعتیاد یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. هرگاه از آن سخن به میان می‌آید، ذهن‌ها بیشتر به سمت مردان جامعه می‌رود. این تصویرسازی سال‌هاست بر سیاست‌گذاری، آمارگیری و حتی نگاه عمومی سایه انداخته است. بااین حال، اعتیادچهره‌ای زنانه نیز دارد؛ زنانی که کمتر در میان آمارهایدهی می‌شوندو به دلایلی مانندانگ‌های اجتماعی، مصرف خود را پنهان می‌کنند و شاید کمتر از مردان برای درمان مراجعه‌کنند.

روند افزایشی مصرف مواد مخدر در میان زنان

هرچندگفته می‌شود سهم زنان از جمعیت مصرف‌کنندگان مواد

عباسی:

داده‌های موجود نشان می‌دهد در هفت تا ده سال گذشته گرایش زنان به مصرف مواد افزایش یافته است هرچند هنوز آمار دقیق و جامعی برای اندازه‌گیری این روند وجود ندارد



ایاسر مختاری

روزنامه نگار

مخدر در ایران کمتر از مردان است، مسئولان مبارزه با مواد مخدر از روندی خبرمی‌دهندکه می‌تواند به یکی از چالش‌های آینده اجتماعی کشور تبدیل شود. این روند با افزایش گرایش زنان به مصرف مواد مخدر طی یک دهه اخیر آغاز شده است. «سلیمان عباسی»، مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «مشاهدات و داده‌های موجود نشان می‌دهد در هفت تا ده سال گذشته، گرایش زنان به مصرف مواد افزایش یافته است؛ هرچند هنوز آمار دقیق و جامعی برای اندازه‌گیری این روند وجود ندارد».

به گفته او، این مسیر در بسیاری از موارد با مصرف سیگار و محصولات دخانی آغاز می‌شود و سپس به مصرف مواد مخدر می‌رسد.

به گزارش «پیام ما» و به نقل از ایلنا، عباسی با اشاره به الگوی مصرف در میان زنان، حبشش و گل را پرمصرف‌ترین مواد مخدر در این گروه عنوان می‌کند و می‌گوید: «برخلاف برخی

تصورات، گرایش گسترده‌ای به مصرف سایر مواد مخدر صنعتی در میان زنان مشاهده نشده است. حتی همین میزان افزایش نیز نیازمند توجه جدی در حوزه پیشگیری است.» به گفته مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر، اعتیاد زنان تنها یک آسیب فردی نیست و می‌تواند پیامدهای گسترده‌تری برای خانواده داشته باشد؛ «زمانی که مادر خانواده درگیر اعتیاد می‌شود، آسیب‌های ناشی از آن می‌تواند انسجام خانواده را بیش از گذشته تحت تأثیر قرار دهد.»

فاصله آمارها با واقعیت

«نسیم صادقی»، درمانگر اعتیاد، در گفت‌وگو با «پیام ما» با بیان اینکه تصویر موجود از اعتیاد زنان در ایران با واقعیت فاصله دارد، می‌گوید: «بسیاری از زنان به دلیل انگ اجتماعی، مصرف مواد را حتی هنگام مراجعه به مراکز درمانی نیز پنهان می‌کنند. همین موضوع باعث شده است آمارهای موجود نتوانند ابعاد واقعی این آسیب را نشان دهند».

به گفته او، «ما آمار دقیقی از وضعیت اعتیاد زنان نداریم و بسیاری از زنان به دلیل انگ و استیگمایی که در جامعه وجود دارد، مصرف مواد را عنوان نمی‌کنند. حتی زمانی که به دلایل مختلف به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند، این موضوع را در شرح حال خود مطرح نمی‌کنند. به همین دلیل، احتمالاً تعداد واقعی زنان مصرف‌کننده بیشتر از آمارهای است که در مقالات یا گزارش‌های رسمی منتشر می‌شود.»

تغییر الگوی مصرف

صادقی در ادامه با اشاره به تغییر الگوی مصرف مواد در سال‌های اخیر، افزایش دسترسی به انواع مواد، به‌ویژه مواد تدخینی جدید، را یکی از عوامل مؤثر در گسترش مصرف می‌داند.

او توضیح می‌دهد: «توسعه شهرنشینی، گسترش فضای مجازی و تنوع روزافزون مواد مخدر و دخانی، زمینه افزایش مصرف را فراهم کرده است. امروز مواد تدخینی جدید بسیار بیشتر از گذشته در دسترس قرار گرفته‌اند و طبیعی است که هرچه عرضه بیشتر شود، تعداد مصرف‌کنندگان نیز افزایش پیدا می‌کند.»

این درمانگر اعتیاد درباره افزایش مصرف ویپ، پاد و سایر محصولات تدخینی جدید، به‌ویژه در میان نوجوانان، می‌گوید: «مراکز درمانی معمولاً زمانی با این افراد مواجه می‌شوند که مصرف به مرحله بروز عارضه رسیده باشد. در مراحل اولیه مصرف، تقریباً مراجعه‌ای وجود ندارد، زیرا فرد هنوز علامتی ندارد. معمولاً زمانی افراد به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند که بر اثر مصرف دچار مشکلاتی مانند عفونت ریه یا سایر عوارض شده باشند. البته این عوارض در همه مصرف‌کنندگان ایجاد نمی‌شود و تنها درصدی از آنها را درگیر می‌کند. همین مسئله موجب شده است نقش مراکز درمانی در پیشگیری از اعتیاد محدود باشد.»

صادقی با تأکید بر اینکه پیشگیری باید از مدرسه، خانواده و آموزش درباره مواد آغاز شود، یادآور می‌شود: «مراکز درمانی معمولاً با افرادی مواجه می‌شوند که مصرف آنها وارد مرحله بروز آسیب شده است و در این مرحله، فرصت‌های پیشگیری اولیه تا حد زیادی از دست رفته است.»

حمایت خانواده

به گفته صادقی، نحوه مواجهه خانواده و جامعه با زنان

مصرف‌کننده بیش از هر چیز به فرهنگ و میزان آگاهی اطرافیان بستگی دارد: «در برخی خانواده‌ها، فرد با حمایت و تشویق برای درمان روبه‌رو می‌شود، اما در برخی دیگر حتی پس از ترک نیز پیش‌پسب «مصرف‌کننده» از او برداشته نمی‌شود. ما یک سطح فرهنگی یکسان در جامعه نداریم. در بعضی خانواده‌ها، فرد حمایت می‌شود و همین حمایت روند درمان را تسهیل می‌کند، اما در برخی دیگر، انگ اعتیاد تا سال‌ها همراه فرد باقی می‌ماند و اجازه نمی‌دهد او دوباره مانند یک فرد عادی در جامعه پذیرفته شود.»

او با بیان نمونه‌ای از تأثیر مصرف مواد بر اعضای خانواده می‌گوید: «مادری را به خاطر دارم که به دلیل قرار گرفتن در معرض دود سیگار دخترش دچار بروشیت شده بود. او در واقع یک مصرف‌کننده غیرفعال یا پس‌و‌اسموگر بود و همین قرار گرفتن در معرض دود، برایش عارضه ایجاد کرده بود.»

نحوه درمان زنان

این درمانگر اعتیاد با اشاره به روش‌های درمان اعتیاد تأکید می‌کند که تاکنون درمان اختصاصی برای زنان طراحی نشده است؛ «چه در ایران و چه در دنیا، درمان دارویی اعتیاد میان زنان و مردان تفاوتی ندارد. تفاوت‌ها بیشتر در شیوه‌های روان‌درمانی و مداخلات روان‌شناختی است که متناسب با شرایط هر فرد تنظیم می‌شود. تنها در مورد زنان باردار پروتکل‌های دارویی تفاوت‌هایی دارد، اما در سایر موارد، درمان دارویی برای زنان و مردان یکسان است.»

حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیرتر

اگرچه درمانگران اعتیاد معتقدند درمان‌های دارویی برای زنان و مردان تفاوتی ندارد، عباسی، مدیرکل درمان ستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: «نظام درمان اعتیاد در سال‌های اخیر تلاش کرده است خدمات ویژه‌تری برای گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان باردار، نوجوانان و جوانان، فراهم کند. هرچه درمان در سنین پایین‌تر آغاز شود، احتمال موفقیت آن بیشتر خواهد بود.» او همچنین نسبت به تغییر ترکیب مواد مخدر موجود در بازار هشدار می‌دهد و می‌گوید: «بسیاری از مواد کشف‌شده حاوی ناخالصی‌های خطرناکی مانند فلزات سنگین هستند؛ موادی که می‌توانند علاوه بر وابستگی، عوارض جسمی شدید و حتی مرگ را به دنبال داشته باشند. نباید هیچ ماده‌ای را کم‌خطر یا بی‌ضرر تلقی کرد، حتی اگر با نام‌های جدید یا ظاهری متفاوت در بازار عرضه شود.»

عباسی، درمان اعتیاد را تنها به مرحله سم‌زدایی محدود نمی‌داند و معتقد است مراقبت پس از درمان نیز اهمیت زیادی دارد: «در برنامه‌های جدید، افراد پس از ترخیص تا سه سال تحت پیگیری و حمایت درمانگران قرار می‌گیرند تا احتمال بازگشت به چرخه مصرف کاهش یابد.»

بر همین اساس، باید رویکردهای اجتماعی، به‌ویژه حذف انگ‌های اجتماعی، برای مراجعه زود هنگام مصرف‌کنندگان زن به‌صورت جدی دنبال شود تا هم شانس بازگشت آنان به زندگی سالم و دور از مواد مخدر افزایش یابد و هم از آسیب‌ها و فشارهای روانی پس از کنار گذاشتن مصرف مواد جلوگیری شود.

تبریک رئیس‌جمهور برای درخشش تیم ملی المپیاد فیزیک ایران

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در پیامی درخشش تیم ملی المپیاد فیزیک جمهوری اسلامی ایران در پنجاه‌وششمین دوره المپیاد جهانی فیزیک را تبریک گفت و کسب سه نشان طلا و دو نشان نقره و همچنین رتبه نخست جهان در بخش تجربی این رقابت‌ها را افتخاری ارزشمند برای کشور دانست.

پزشکیان نوشت: «درخشش تیم ملی المپیاد فیزیک کشورمان در پنجاه‌وششمین دوره المپیاد جهانی فیزیک در کلمبیا با سه نشان طلا و دو نشان نقره و کسب رتبه اول دنیا در بخش تجربی این مسابقات، برگ زرین دیگری بر افتخارات علمی کشورمان افزود.»

رئیس‌جمهور این موفقیت را نشانه‌ای روشن از توانمندی علمی، استعداد درخشان و پشتکار جوانان ایران دانست و آن را به دانش‌آموزان، خانواده‌های آنان، معلمان و جامعه علمی کشور تبریک گفت. او تأکید کرد برای ساختن آینده‌ای بهتر، توجه بیشتر به سرمایه‌های انسانی توانمند، آموزش باکیفیت و فراهم کردن فرصت‌های عادلانه برای شکوفایی استعدادها ضروری است.

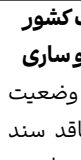
پزشکیان افزود: «فرزندان عزیز ایران بار دیگر ثابت کردند دانش، تلاش و امید، راهگشای ضیاء موفق و افتخارآفرین در عرصه‌های جهانی است و پرچم ایران بزرگ را سرفرازانه بر فراز قله‌های علم و دانش به اهتزاز درمی‌آورند.»

تیم ملی المپیاد فیزیک ایران در پنجاه‌وششمین دوره المپیاد جهانی فیزیک (IPhO ۲۰۲۶) که از ۱۳ تا ۲۱ تیر ۱۴۰۵ در شهر یوکارامانگا کلمبیا برگزار شد، موفق به کسب سه مدال طلا و دو مدال نقره شد. این رقابت‌ها با حضور بیش از ۹۰ کشور و بیش از ۴۰۰ دانش‌آموز از سراسر جهان برگزار شد.

در این دوره، هیبرید فودازی، کیان ضرابیان و محمد میرمحمدی مدال طلا گرفتند و نیما کوشکی و امیرسپام گوه‌ری نیز مدال نقره کسب کردند. همچنین کیان ضرابیان با کسب رتبه نخست بخش تجربی المپیاد جهانی فیزیک، برای نخستین‌بار نام ایران را در صدر این بخش از رقابت‌ها قرار داد. / ایرنا



سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت‌اسناد و املاک مازندران << آگهی فقدان سند مالکیت >>
خانم مرضیه رضمانی فوکلائی با ارائه ۲ برگ استشهدایه المثنی که در دفترخانه ۱۹۹ بابل امضا شده و طی درخواست ۰۶/۱۹۱۸۶۱۰۰۰۴۵۶۳۱۷۱۰۰۴۵۶/۰۴/۱۴۰۵، اعلام نمود ۳/۵ سهم شمع از شش‌دانگ پلاک ه فرعی از ۲۴۷۱ اصلی بخش دوغرب با شماره دفتر ۶۹۵ و صفحه ۱۸ ذیل ثبت ۷۰۹۹۹ سند صادر و تسلیم گردید و سند اصلی در اثر جابجایی مفقود گردید و ایشان درخواست صدور سند المثنی را داشته است. لذا در اجرائی ماده ۱۴۰- اصلاحی آئین نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می‌گردد چنانچه نسبت به درخواست سند المثنی معترضی باشد باید ظرف ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرماید در غیر اینصورت این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود. شمار:سریال مفقودی: ۳۸۴۸۲۴ می‌باشد.
رونوشت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) تاریخ انتشار: ۰۴/۲۲/۱۴۰۵ سید مهدی حسینی کریمی - رییس اداره ثبت‌اسناد و املاک بابل شناسه آگهی:۲۲۲۴۹۹۸

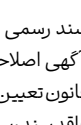


سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری
آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۰۹۱۵۵۴۵۶۳۱۰۴۵۶/۰۳/۱۴۰۵ مورخ ۲۸/۰۳/۱۴۰۵ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه میلاد حمزه فرزند غلام حسن به شماره ملی ۰۸۰۸۳۳۶۰۹۹ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی پلاک ۲۳۱۳ فرعی به مساحت ۶۶۵/۲۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳ - اصلی واقع در قریه فرح‌آباد بخش ۵ ثبت ساری

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جیرفت
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابررای اصلاحی شماره۰۴۶۲۵۱۰۴۰۵۶۳۱۹۰۴۰۵/۰۳/۱۹-۱۴۰۵-
هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جیرفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم عصمت فاریابی فرزند کرامت بشماره شناسنامه ۲۰ صادره از جیرفت در شش‌دانگ یک قطعه باغ مشتمل بر خانه مسکونی به مساحت ۱۳۶/۷۶۱



سند رسمی



سند رسمی

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک ماسال از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۳۰۰۱۸۲۲۰۰۲۰۵۶۳۱۸۲۰۰۲/۰۲/۱۴۰۵ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم مریم اختیاری فرزند حسین بشماره شناسنامه ۱۲۵۰ صادره از کرج در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای اجدائی به مساحت ۷۰۲/۲۱ مترمربع پلاک فرعی ۵۲۴ از اصلی ۵ بخش ۲۶/۲۲ واقع در وردم ماسال مفروزی از ۲۰ فرعی خریداری از مالک رسمی و... محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار اول: ۰۴/۲۲/۱۴۰۵ - تاریخ انتشار دوم: ۰۵/۰۶/۱۴۰۵ یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال از طرف صائمه امجدی شناسه آگهی:۲۲۱۸۵۶۲۰ م الف:۸۴۲

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری
آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری برابر رای شماره ۰۹۱۵۵۴۵۶۳۱۰۴۵۶/۰۳/۱۴۰۵ مورخ ۲۸/۰۳/۱۴۰۵ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه میلاد حمزه فرزند غلام حسن به شماره ملی ۰۸۰۸۳۳۶۰۹۹ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی پلاک ۲۳۱۳ فرعی به مساحت ۶۶۵/۲۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳ - اصلی واقع در قریه فرح‌آباد بخش ۵ ثبت ساری

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جیرفت هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابررای اصلاحی شماره۰۴۶۲۵۱۰۴۰۵۶۳۱۹۰۴۰۵/۰۳/۱۹-۱۴۰۵- هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جیرفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم عصمت فاریابی فرزند کرامت بشماره شناسنامه ۲۰ صادره از جیرفت در شش‌دانگ یک قطعه باغ مشتمل بر خانه مسکونی به مساحت ۱۳۶/۷۶۱
--

سازمان ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منوجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۴۵۰۰۳۰۲۰۲۰۵۶۳۱۸۲۰۰۲/۰۲/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منوجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اسحق رهبان فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۳۴۰۰ شماره ملی ۰۸۹۷۴۵۸۱۲ صادره ازنوجان در یک باب خانه به مساحت ۴۱۹,۳۱ مترمربع پلاک ۳۰۷ فرعی از ۸۸۰- اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۸۸۰- اصلی قطعه پنج واقع در توحیدآباد شهر منوجان خریداری از مالک رسمی آقای عباس دوراندیش محرز گردیده است؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۰۴/۲۲/۱۴۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم:۰۵/۰۶/۱۴۰۵ عباس جرجندی نسب - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شهرستان منوجان شناسه آگهی:۲۲۲۷۶۴۰

سازمان ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منوجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۴۵۰۰۳۰۲۰۲۰۵۶۳۱۸۲۰۰۲/۰۲/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منوجان تصرفات مالکانه بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. درصورتی‌که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت‌اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .
۱ - تقاضای «حشمت اله ولدی» فرزند «حاجی جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۷۸/۰۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۲- تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۵۷/۰۳۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۳- تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۰۶/۳۴۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۴ - تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۹/۰۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۵ - تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین



فوق‌ثبتی

سازمان ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منوجان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۰۴۵۰۰۳۰۲۰۲۰۵۶۳۱۸۲۰۰۲/۰۲/۱۴۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منوجان تصرفات مالکانه بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. درصورتی‌که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت‌اسناد و املاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، درصورتی‌که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .
۱ - تقاضای «حشمت اله ولدی» فرزند «حاجی جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۷۸/۰۳۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۲- تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۵۷/۰۳۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۳- تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۰۶/۳۴۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۴ - تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۷۹/۰۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۷» فرعی از «۲۳» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جعفر ولدی»
۵ - تقاضای «عزت اله ولدی» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین

آیا حفاظت از طبیعت می‌تواند نگاه جهان به تنگه هرمز را تغییر دهد؟

تنگه هرمز؛ گلوگاه اکولوژیک

این تنگه برای امنیت انرژی اهمیت راهبردی دارد؛ اما به همان اندازه برای حیات نیز مهم است
حیات تنها سرمایه‌ای است که کشورهای منطقه نمی‌توانند هر زمان که بخواهند، آن را دوباره بخرند



آوازه



ایمان ابراهیمی ا

احفاظنگرا

در ماه‌های اخیر، تنگه هرمز بار دیگر با همان واژگانی توصیف شده است که جهان بیش از همه با آن آشناست؛ نفت، نفتکش‌ها، خطر دگریزی‌های دریایی، امنیت انرژی و جنگ. این رویکرد قابل درک است. در شرایط عادی، حدود یک‌پنجم صادرات جهانی نفت و گاز طبیعی مایع (LNG) از این گذرگاه باریک میان ایران و عمان عبور می‌کند. هزگاه تنگه هرمز با تهدیدی روبه‌رو شود، بازارهای جهانی واکنش نشان می‌دهند و دولت‌ها دست به محاسبه می‌زنند. اما این تنها یکی از روایت‌های ممکن درباره تنگه هرمز است. حفاظت از طبیعت، روایت دیگری پیش روی ما می‌گذارد.تنگه هرمز فقط یک گلوگاه انتقال نفت نیست؛ بلکه یک گلوگاه اکولوژیک نیز هست؛ دهانه باریکی که از طریق آن آب میان خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند مبادله می‌شود و جزایر، جنگل‌های حرا، کلونی‌های پرندگان دریایی،آب‌سنگ‌های مرجانی،سواحل محل تخم‌گذاری لاکپشت‌های دریایی و جوامع ساحلی را فراتر از مرزهای سیاسی به یکدیگر پیوند می‌دهد.

این شیوه نگاه به تنگه هرمز امروز اهمیت ویژه‌ای دارد. باید بدانیم گرایش‌های اخیر دربارهٔ تأسیسات نفتی، به پهنه‌ای خالی از آب اشاره نمی‌کنند، بلکه به مکان‌هایی واقعی و زنده مربوط هستند. جزیره شیدور، جزیره‌ای غیرمسکونی در محدوده لاوان و ثبت‌شده در فهرست تالاب‌های رامسر جایی است که

| یادداشت -

جنگ، انزوای دانشمندان محیط‌زیست ایرانی را آشکارتر کرد



اجان کتون ا

آروزنامه نگارا

جنگ در ایران روند تحقیقات علمی را مختل کرده و انزوای طولانی‌مدت دانشمندان ایرانی را بیش از پیش آشکار کرده است. برای چندین دهه، تحریم‌های بین‌المللی و جنگ، دسترسی به منابع مالی، فرصت‌های توسعه حرفه‌ای و همکاری‌های علمی جهانی را محدود کرده‌اند. علاوه بر آسیب‌های احتمالی به جمعیت‌های حیات‌وحش و اکوسیستم‌ها،تلاش‌های حفاظتی در دوران جنگ نیز نادیده گرفته می‌شوند. به گزارش «مانگایی»، رسانه تخصصی محیط‌زیست، لبخند روی چهره ایمان ابراهیمی و همکارانش گویای نکته‌ای مهم است؛ پس از بیش از یک ماه جنگ در ایران، برقراری آتش‌بس شکنده در اواسط آوریل، فرصت کوتاهی فراهم کرد تا تیم آوای بوم بتواند به یکی از مکان‌های موردعلاقاش برای فعالیت‌های میدانی سفر کنند.

ایران دریاچه نمکی که هنگام کاهش وسعت آن بر اثر گرمای تابستان، رنگ متمایل به صورتی پیدا می‌کند، هنگام بازدید آن‌ها پر از آب بود. ابراهیمی گفت: «من تاکنون این دریاچه شگفت‌انگیز را به این شکل ندیده‌بودم».

بدون شک، بارش‌های زمستانی بیش از حد معمول بوده است، اما او همچنین احتمال می‌دهد که فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی که بر اثر جنگ کاهش یافته‌اند، باعث شده باشندآب کمتری از دریاچه برداشت‌شود؛تاآبیری پیش‌بینی‌نشده از جنگ. ابراهیمی و اعضای تیمش در سازمان مردم‌نهاد انجمن حفاظت پرندگان آوای بوم، تلاش می‌کنند اثرات دیگری بر پرندگان و تالاب‌های ایران را پیگیری کنند. برای مثال، آن‌ها تغییراتی در تجمعات پرندگان مشاهده کرده‌اند؛ پرندهانی که ظاهراً از مناطقی که صدای حملات هوایی در آن‌ها طنین‌انداز است، دوری می‌شوند.

اما جنگ همچنین آسیب‌هایی را که تحریم‌های بین‌المللی اعمال‌شده از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل، همراه با دیگر اقدامات برای منزوی کردن ایران از جهان ایجاد کرده‌اند، آشکارتر کرده است. ابراهیمی گفت: «طبیعت ایران، فعالان حفاظت از محیط‌زیست ایران و پژوهشگران ایرانی مدت‌هاست



محیط‌زیست



عمان به فرستنده ماهواره‌ای مجهز شده بود، از تنگه هرمز عبور کرد و وارد ایران شد. همچنین پرستوهای دریایی حلقه‌گذاری‌شده در جزایر ایرانی شمال خلیج فارس، بعدها در نقاطی دوردست، از جمله هند، مشاهده یا بازیابی شدند و داده‌های دیگر نیز جابه‌جایی آن‌ها میان جزایر ایرانی خلیج فارس را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، لاک‌پشت‌های متقارعی که در سواحل ایران، عمان، قطر و امارات متحده عربی تخم‌گذاری می‌کنند، با استفاده از دریاب‌های ماهواره‌ای تا زیستگاه‌های مشترک تغذیه در جنوب‌غربی خلیج فارس، در آب‌های که میان قطر عربستان سعودی و امارات مشترک است، دنبال شده‌اند. یک لاک‌پشت نمی‌داند که از محدوده موفقیت‌های حفاظتی یک کشور وارد منطقه‌ای با خطر آلودگی در کشوری دیگر شده است؛ نه یک پرنده دریایی چنین مرزهایی را می‌شناسد، نه جریان‌های آب و نه حتی لکه‌های نفتی. با این حال، نقشه‌هایی که در زمان بحران منتشر می‌شوند، به‌ندرت این واقعیت را بازتاب می‌دهند. ما مسیرهای کشتیرانی، استقرار نیروهای دریایی، پایانه‌های نفتی و خطوط لوله را با دقتی فوق‌العاده نقشه‌برداری می‌کنیم، ما بشکه‌های نفت را دریایی می‌کنیم، نه کلونی‌های زادآوری پرندگان را. تنگه هرمز را «راهبردی» می‌نامیم، زیرا نتف از آن عبور می‌کند، نه به این دلیل که حیات نیز از آن می‌گذرد. پول نیز بسیمراه مهم است؛ به‌ویژه سرمایه‌ای که برای حفظ حیات‌وحش هزینه می‌شود. دبی از سرمایه‌گذاری بزرگی برای بازسازی و توسعه پناهگاه حیات‌وحش راس‌الخور خبر داده است که ارزش آن حدود ۱۷۷ میلیون دلار اعلام شده است. برنامه کرین آبی عمان نیز هدف‌گذاری کرده است که ۱۰۰ میلیون اصله درخت حرا بکارد؛ طری‌که از ارزش بالقوه اعتبار‌های کرین آبی حدود ۱۵۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.

عربستان سعودی نیز متعهد شده است تا سال ۲۰۴۰، از ۳۰ درصد از قلمرو خشکی و دریایی خود حفاظت کند. اگرچه این تعهدها از نظر عقیاس و نحوه اجرا با یکدیگر تفاوت دارند، اما همگی نشان می‌دهند کشورهای حاشیه خلیج فارس، دست‌کم از سطح سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری، پذیرفته‌اند

که اکوسیستم‌های ساحلی و دریایی ارزشمند هستند. اما جنگ، تناقضی آشکار را نمایان می‌کند؛ منطقه از یک سودر سرمایه طبیعی خود سرمایه‌گذاری می‌کند و از سوی دیگر، مخاطراتی را می‌پذیرد که می‌توانند همین سرمایه را نابود کنند. جنگل‌های حرا کاشته می‌شوند، سواحل تخم‌گذاری لاک‌پشت‌ها پایش می‌شوند و تالاب‌ها در فهرست‌های حفاظتی ثبت می‌شوند، اما هم‌زمان با همان دران چنان رفتار می‌شود که گویی می‌توان پیامدهای آسیب را پشت مرزهای سیاسی مهار کرد. حفاظت از طبیعت نباید زمانی آغاز شود که موج‌های سیاه نفت، پرندگان تلف‌شده یا ریشه‌های آغشته به نفت جنگل‌های حرا نمایان شده‌اند. در آن مرحله، حفاظت از طبیعت عملاً قواعد روایت امتیازی را پذیرفته است؛ روایتی که همواره دیر هنگام و واکنشی عمل می‌کند و بیش از آن‌که بتواند درک ما از مخاطره را تغییر دهد، تنها به ثبت و شهادت دادن بر ویرانی‌ها محدود می‌شود. این ا داده‌ها تازه نیستند، سال‌هاست که جابه‌جایی لاک‌پشت‌ها، پرندگان و جریان‌های آب مستند شده و آسیب‌پذیری خلیج فارس نیز ده‌هاست شناخته شده است. آنچه امروز تازه به نظر می‌رسد، برجسته شدن دوباره جایگاه سیاسی تنگه هرمز است؛ شهادت دارن در دیگر دروزارتخانه‌ها، اتاق‌های خبر، نشست‌های امنیتی و بازارهای انرژی به موضوع بحث تبدیل شده‌است.

همین موضوع فرصتی فراهم می‌کند تا متخصصان حفاظت از

(فرار مغزها) منجر می‌شود و توسعه علمی و اقتصادی بلندمدت کشور را تضعیف می‌کند.»

ابراهیمی نیز با این دیدگاه هم‌نظر بود و گفت: «وقتی یک کشور از نظر علمی، مالی و دیجیتال منزوی می‌شود، توانایی دیدن، ثبت کردن و درک آنچه بر طبیعت خودش می‌گذر از نیز از دست می‌دهد.» فرزنانگان سال‌ها در پروژه‌های همکاری میان دانشگاه‌های آلمان و ایران مشارکت داشته است؛ پروژه‌هایی در حوزه‌های مختلف، از منابع طبیعی و مدیریت بحران گرفته تا تغییر اقلیم و حکمرانی آب. او گفت این تجربه‌ها به او دیدی واقع‌بینانه از توانایی‌های دانشمندان ایرانی و مواضعی که با آن روبه‌رو هستند، داده‌است. او گفت: «چیزی که بیش از همه مرا تحت تأثیر قرار داد، کیفیت، جدیت و تاباوری پژوهشگران ایرانی بود؛ به‌ویژه پژوهشگران جوانی که در شرایط دشوار نهادی و سیاسی کار می‌کنند.» در عین حال، فرزنانگان متوجه شده است که آن‌ها اغلب فاقد «شرایط پایه‌ای برای پژوهش عادی» هستند؛ چه دسترسی پایدار به اینترنت، چه دسترسی به مجلات علمی و چه کالاهای بانکی قابل اعتماد.

این مشکلات حتی پیش از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران نیز وجود داشتند.

او افزود: «جنگ این مشکل را آشکارتر کرده است، اما دانشمندان ایرانی سال‌هاست با نوعی حذف و محدود شدن از گفت‌وگوی علمی جهانی، آن هم با وجود استعداد علمی قابل توجه در کشور، مواجه بوده‌اند.»

ابراهیمی نیز به خسارت سنگینی که به علم وارد شده است اشاره کرد. او گفت: «جنگ، آسیب را آشکار می‌کند. تحریم‌ها و انزوا، آسیب را به جنگ وضعیت عادی تبدیل می‌کنند. آن‌ها مدت‌ها پیش از سقوط بمب‌ها، علم، نهادهای حفاظتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، پایش‌های میدانی و همکاری‌های بین‌المللی را تضعیف می‌کنند.»

در نامه‌ای که اخیراً در مجله «Science» منتشر شده است، فرزنانگان و یکی از همکارانش اشاره کرده‌اند که جنگ «جامعه علمی ایران را به انزوایی شدید کشانده است».

آن‌ها برای «جلوگیری از فروپاشی علم ایران»، پیشنهادی با عنوان «رکودو رشد دوستانه برای علم» ارائه کرده‌اند.

پژوهشگران راهبره‌ای رپیشنهاد کرده‌اند که جامعه علمی جهانی می‌تواند در شرایط تحریم‌های طولانی‌مدت، جنگ و اقدامات دولت ایران، از همکاران علمی خود در این کشور حمایت کند. دانشمندان به بورس‌ها و کمک‌های مالی پژوهشی، کمک در زمینه دریافت ویزا، همکاری از طریق کشورهای بی‌طرف و همچنین دسترسی ساده‌تر به مجلات علمی، پایگاه‌های داده و دیگر منابع علمی نیاز دارند.

فرزانگان گفت: «چنین کردیوری به معنای نادیده گرفتن محدودیت‌های قانونی با مسائل امنیتی نیست. این کردیور باید در چارچوب ضمانت‌های روشن بشردوستانه و علمی فعالیت کند. هدف آن جلوگیری از مجازات جمعی پژوهشگران و دانشجویان است.» از دیدگاه ابراهیمی، چنین اقدامی می‌تواند مفید باشد. او گفت: «در حال حاضر پرداخت‌های بین‌المللی تقریباً غیرممکن شده‌اند، ارتباطات نهادی ناپایدار هستند،

طبیعت، مدیران مناطق حفاظت‌شده، دانشمندان علوم دریایی و نهادهای محیط‌زیستی با صدایی رساتر و شفاف‌تر سخن بگویند. این استدلال، نگاهی رمانتیک یا آرمان‌گرایانه و دعوتی ساده‌لوحانه برای تبدیل یکی از نظامی‌ترین آبراه‌های جهان به منطقه‌ای حفاظت‌شده نیست، بلکه تأکید بر این واقعیت است که بازیگران سیاسی و اقتصادی در میانه بحران، به چیزی پی برده‌اند که علم حفاظت از طبیعت سال‌هاست آن را نشان داده است؛ تنگه هرمز دربرگیرنده منافع مشترکی است که آن‌قدر بزرگ‌اند که هیچ کشوری نمی‌تواند آن‌ها نادیده بگیرد. اکنون باید از این فرصت استفاده کرد تا این دانش اکولوژیک که تاکنون کمتر شنیده شده، جایگاه و نفوذ بیشتری پیدا کند. تنگه هرمز باید در ارزیابی‌های ریسک، برنامه‌های آمادگی برای مقابله با نشت نفت، پایش‌های ماهواره‌ای، دریایی حیات‌وحش و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای حفاظت از طبیعت، به عنوان یک کردیور اکولوژیک مشترک در نظر گرفته شود.

❖ حفاظت از طبیعت باید نگاه جهان به تنگه هرمز را تغییر دهد

نقشه‌های امنیتی باید در کنار نقشه‌های اکولوژیک قرار گیرند؛ نقشه‌هایی که مسیرهای مهاجرت لاک‌پشت‌های دریایی، کلونی‌های پرندگان دریایی، جنگل‌های حرا، آب‌سنگ‌های مرجانی، بسترهای علف‌های دریایی، محل برداشت آب تأسیسات آب‌شیرین‌کن، صیدگاه‌ها و جوامع ساحلی را نیز نشان می‌دهند. همچنین سامانه‌های هشدار زودهنگام اکولوژیک باید با همان جدیت مورد توجه قرار گیرند که سامانه‌های هشدار زودهنگام در حوزه انرژی قرار می‌گیرند. چنین رویکردی قرار نیست مناقشه را حل کند، اما می‌تواند آنچه را که این مناقشه تاکنون مجاز دانسته و نادیده گرفته است، تغییر دهد. اگر تنگه هرمز فقط به عنوان یک کردیور انتقال نفت دیده شود، مهم‌ترین پرسش این خواهد بود که چگونه می‌توان جریان انرژی را حفظ کرد. اما اگر آن را هم‌زمان یک کردیور اکولوژیک نیز بدانیم، پرسشی دیگر مطرح می‌شود: کشورهای منطقه تا چه اندازه حاضرند برای حفاظت از سرمایه‌های سیاسی و اقتصادی خود، سرمایه طبیعی و اکولوژیکشان را به خطر بیندازند؟ همین‌جاست که تناقض عمیق آشکار می‌شود. میلیاردها دلار برای ایجاد و حفظ سرمایه‌های طبیعی، از کاشت جنگل‌های حرا و ایجاد پناهگاه‌های حیات‌وحش گرفته تا اجرای برنامه‌های پایش، حفاظت از تالاب‌ها، سیانت از سواحل تخم‌گذاری لاک‌پشت‌های دریایی و پژوهش درباره آب‌سنگ‌های مرجانی، هزینه می‌شود. اما هم‌زمان، خطرات ناشی از دگریزی‌ها می‌تواند نوع دیگری از سرمایه، یعنی همین سرمایه طبیعی را نابود کند. پس آن نیز اگر خسارت به اندازه کافی گسترده باشد، باید بار دیگر هزینه‌های هنگفتی صرف احیای چیزی شود که شاید هرگز به وضعیت پیشین خود بازگردد. احیای اکوسیستم‌ها دکمه «بازنشانی» نیست. می‌توان نهال کاشت، برنامه‌های پایش را تأمین مالی کرد و لکه‌های قابل مشاهده نفت را پاکسازی کرد؛ اما همیشه نمی‌توان رسوبات آلوده، یک فصل نافوق زاراووری، یک جامعه آسیب‌دیده از آب‌سنگ‌های مرجانی یا اعتماد از دست‌رفته میان جوامع ساحلی و دریایی را که زندگی‌شان به آن وابسته است، دوباره احیا کرد.

به همین دلیل، حفاظت از طبیعت باید نگاه جهان به تنگه هرمز را تغییر دهد. تنگه هرمز بی‌تردید، برای امنیت انرژی اهمیت راهبردی دارد؛ اما به همان اندازه برای حیات نیز اهمیت دارد. حیات تنها سرمایه‌ای است که شورهای منطقه نمی‌توانند

هر زمان که بخواهند، آن را دوباره بخرند. / مونگایی

دسترسی به اینترنت محدود یا بسیار گران است و حتی حفظ ارتباط باگفت‌وگوی علمی جهانی به یک مبارزه روزانه تبدیل شده است.» با این حال، «همچنین فکر می‌کنم وضعیت پیچیده‌تر از آن است که صرفاً بگویم دنیای علم، پژوهشگران ایرانی را رها کرده است. تلاش‌های مهمی برای جدا نگه داشتن علم از سیاست انجام شده‌است.»

❖ سایه محیط‌زیستی جنگ

پژوهشگران دیگری نیز درباره پیامدهای احتمالی جنگ ابراز نگرانی کرده‌اند. سوماقاله اخیر در مجله «Nature Sustainability» درباره «سایه محیط‌زیستی طولانی جنگ» هشدار داده است؛ زیرا زیرساخت‌های انرژی و آب در دگریزی‌های نظامی به اهداف رایج تبدیل می‌شوند. نامه دیگری در مجله «Science»، تحقیق مشخصی را بررسی کرده است که جنگ می‌تواند بر حیات دریایی داشته باشد. به‌ویژه، نشت نفت در تنگه هرمز می‌تواند پیامدهای جدی به همراه داشته باشد.

نینگ وانگ، یکی از نویسندگان این مقاله و معاون آزمایشگاه دولتی کلیدی بهره‌برداری از منابع دریایی در دریای جنوبی چین در دانشگاه هاینان چین، اشاره کرد که این آبراه و مناطق اطراف آن، زیستگاه حیاتی برای دوگئونگ‌ها (گاوهای دریایی) و دیگر گونه‌های دریایی هستند.

نویسندگان مقاله نوشته‌اند که ممکن است تعویض کامل آب در دوحوضه‌ای که تنگه هرمز آن‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند، در پنج سال طول بکشد.

وانگ در ایمیلی به مانگایی گفت: «هرگونه آلودگی در این منطقه پیامدهای شدید و جدی برای موجودات دریایی و اکوسیستم دریایی خواهد داشت.» وانگ و همکارانش خواستار پایش علمی نشت‌های نفتی و پیامدهای آن‌ها شده‌اند. آن‌ها نوشته‌اند: «این دگریزی، آژوونی جهانی است برای اینکه آیا آسیب‌های محیط‌زیستی ناشی از جنگ می‌توانند از طریق ارزیابی علمی و اقدام بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گیرند یا نه.» به گفته ابراهیمی، «دریایی لحظه‌ای وضعیت متوقف می‌شود.» او افزود: «همان‌طور که سعدی، شاعر ایرانی، یادآوری می‌کند: انسان‌ها اعضای یک پیکرند. وقتی عضوی از این پیکر درد می‌کشد، دیگر اعضا نمی‌توانند بی‌تفاوت بمانند.»

او گفت: «مردم سراسر جهان ایران را کشوری می‌بینند که همیشه در جنگ است. این واقعیت ندارد؛ چون من ۲۴ سال دارم و این نخستین جنگی است که خدوم می‌بینم.» به گفته فرزنانگان، حفظ تداوم فعالیت‌ها اهمیت زیادی دارد. او گفت: «مشکلاتی مانند از دست رفتن تنوع زیستی، کمبود آب، آلودگی هوا، فشارهای اقلیمی، تخریب زمین و خطرات ناشی از بلایا، در مرزهای علمی متوقف می‌شوند.» او افزود: «همان‌طور که سعدی، شاعر ایرانی، یادآوری می‌کند: انسان‌ها اعضای یک پیکرند. وقتی عضوی از این پیکر درد می‌کشد، دیگر اعضا نمی‌توانند بی‌تفاوت بمانند.»



یک لاک‌پشت نمی‌داند

که از محدوده

موفقیت‌های حفاظتی

یک کشور وارد منطقه‌ای

با خطر آلودگی در

کشوری دیگر شده است

نه یک پرنده دریایی

چنین مرزهایی

را می‌شناسد

نه جریان‌های آب و نه

حتی لکه‌های نفتی



می‌توان نهال کاشت

برنامه‌های پایش

را تأمین مالی کرد

ولکه‌های قابل مشاهده

نفت را پاکسازی کرد

اما همیشه نمی‌توان

رسوبات آلوده، یک فصل

ناموفق زادآوری

یک جامعه آسیب‌دیده

از آب‌سنگ‌های مرجانی

یا اعتماد از دست‌رفته

میان جوامع ساحلی

و دریایی را که

زندگی‌شان به آن وابسته

است، دوباره احیا کرد





تاریخ‌نگار

سرپرست کاوش‌های «کاخ جهان‌نما» در گفت‌وگو با «پیام‌ما» از این کاوش تاتمام می‌گوید

راز دولتخانه صفوی در زیر خاک

کشف پایه‌های کاخ جهان‌نما، نخستین حوض چهارباغ و باروی تاریخی اصفهان

می‌توانست پرده از بخش‌های ناشناخته دولتخانه صفوی بردارد؛ کاوشی که هرگز ادامه پیدا نکرد

گاهی مهم‌ترین بخش‌های تاریخ یک شهر نه در موزه‌ها و کتاب‌ها، بلکه زیر آسفالت خیابان‌ها، در میان شبکه‌های تأسیسات و در دل پروژه‌های عمرانی پنهان شده‌اند. اصفهان نیز از این قاعده مستثنا نیست. شهری که در دوره صفوی به یکی از مهم‌ترین پایتخت‌های جهان تبدیل شد، هنوز بخش‌های گسترده‌ای از حافظه تاریخی خود را در زیر لایه‌های شهر معاصر حفظ کرده است؛ لایه‌هایی که هر بار با یک گمانه‌زنی یا کاوش باستان‌شناسی، بخشی از رازهای خود را آشکار می‌کنند.



اکروش دیباج ا

روزنامه‌نگار

در میان این محوطه‌ها، کاخ جهان‌نما جایگاه ویژه‌ای دارد؛ عمارتی که در ابتدای خیابان چهارباغ و در پیوند با دولتخانه صفوی قرار داشت و روزگاری یکی از شاخص‌ترین بناهای پایتخت شاه‌عباس به شمار می‌رفت. اگرچه این کاخ در دوره‌های بعدی از میان رفت، اما کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ توانست بخشی از بقایای آن را از زیر خاک بیرون آورد و بار دیگر نام جهان‌نما را به ادبیات میراث فرهنگی کشور بازگرداند.

با این حال، پرسش‌های فراوانی همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ چرا کاوش‌ها ادامه پیدا نکرد؟ چه یافته‌هایی در زیر محدوده دروازه دولت و ابتدای چهارباغ باقی مانده است؟ آیا توقف این پروژه، فرصتی تاریخی را از پژوهشگران گرفت؟ گفت‌وگوی «پیام‌ما» با «علی شجاعی اصفهانی»، باستان‌شناس و سرپرست کاوش‌های کاخ جهان‌نما، پیرامون همین ماجر است.

چه شد که موضوع کاوش در کاخ جهان‌نما مطرح شد؟ موضوع از پروژه مترو اصفهان آغاز شد. در آن سال‌ها نگرانی‌های جدی درباره تأثیر عملیات عمرانی مترو بر لایه‌های تاریخی شهر وجود داشت. بخشی از این نگرانی‌ها به محدوده دولتخانه صفوی و ابتدای چهارباغ مربوط می‌شد؛ جایی که بر اساس منابع تاریخی می‌دانستیم بناهای مهمی از دوره صفوی در آن قرار داشته‌اند.

پژوهشگاه میراث فرهنگی پس از مجموعه‌ای از رخداد‌های تلخ تصمیم گرفت به‌صورت جدی‌تر وارد موضوع شود. از آنجا که موقعیت تقریبی کاخ جهان‌نما از طریق اسناد تاریخی، سرنامه‌ها و مطالعات پیشین مشخص بود، این محوطه به‌عنوان یکی از نقاط اولویت‌برای کاوش انتخاب شد.

قدمت داشت و درک ما از ساختار اولیه چهارباغ را افزایش می‌داد. همچنین در بخش شمالی محوطه، بقایای یک قهوه‌خانه دوره قاجار به دست آمد که با اسناد تاریخی آن دوره نیز تطابق داشت.

اما شاید مهم‌تر از همه، شناسایی بخشی از باروی تاریخی اصفهان بود. در زیر لایه‌های متأخر، دیواری مورب آشکار شد که شواهد نشان می‌داد بخشی از ساختار دفاعی شهر در دوره‌های پیش از صفوی بوده است. این یافته درجه‌ای تازه به شناخت اصفهان پیشاصفوی باز کرد.

یعنی کاوش جهان‌نما تنها درباره دوره صفوی نبود؟ دقیقاً همین‌طور است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این محوطه آن بود که لایه‌های مختلف تاریخی را در خود حفظ کرده بود. ما شواهدی از دوره‌های پیش از صفوی، از جمله دوره‌های تیموری، ایلخانی، ساسانی و حتی نمونه‌هایی از هزاره اول پیش از میلاد را در قالب یافته‌های منقول به دست آوردیم.

این موضوع نشان می‌دهد که محدوده دروازه دولت و ابتدای چهارباغ فقط بخشی از تاریخ صفوی اصفهان نیست، بلکه بخشی از تاریخ بلندمدت استقرار انسانی در این منطقه را نیز در خود جای داده است.

یافته‌های معماری به‌دست‌آمده تا چه اندازه با توصیف‌هایی که جهانگردان عصر صفوی ارائه کرده‌اند مطابقت داشت؟

در کلیت موضوع، همخوانی قابل‌توجهی میان داده‌های تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی مشاهده شد. یکی از مزیت‌های کار در اصفهان این است که درباره پایتخت صفوی با حجم قابل‌توجهی از منابع مکتوب، سفرنامه‌ها و گزارش‌های تاریخی مواجه هستیم. به همین دلیل، داده‌های باستان‌شناسی در بسیاری از موارد امکان راستی‌آزمایی این اطلاعات را فراهم می‌کنند. برای نمونه، در برخی منابع به تزئینات خاص کاخ جهان‌نما اشاره شده بود. مرحوم جابری انصاری در توصیف این بنا از کاخی‌هایی با نقش‌های انسانی یاد می‌کند و با لحنی آمیخته به حسرت از تخریب آن سخن می‌گوید. در جریان کاوش، ما قطعاتی از همین کاخی‌ها را به دست آوردیم. هرچند عمده قطعات دارای نقوش گیاهی بودند، اما نمونه‌هایی نیز وجود داشت که با توصیف‌های تاریخی همخوانی داشتند.

از سوی دیگر، مطالعات پژوهشگران دیگری مانند دکتر فرشید امامی نیز نشان داد که بخشی از این تزئینات پیش از تخریب کامل بنا از محل جدا شده و بعدها سر از مجموعه‌های خارج از کشور درآورده است.

هنگامی که داده‌های تاریخی، سفرنامه‌ها، مطالعات تاریخ هنر و یافته‌های میدانی در کنار هم قرار می‌گیرند، تصویر بسیار روشن‌تری از کاخ جهان‌نما و جایگاه آن در دولتخانه صفوی به دست می‌آید.

به نظر می‌رسد کاوش جهان‌نما فقط یک پروژه محدود باستان‌شناسی نبود و به موضوع بزرگ‌تر دولتخانه صفوی گره می‌خورد. این‌طور است؟

دقیقاً همین‌طور است. اگر بخواهیم اهمیت واقعی این کاوش را درک کنیم، باید آن را در چارچوب دولتخانه صفوی ببینیم. مسئله اصلی فقط یک کاخ نیست؛ موضوع، شناخت ساختار حکومتی و کالبدی پایتخت صفوی است. امروز بسیاری از بناهای دولتخانه صفوی از میان رفته‌اند. بخشی در جریان حوادث پس از سقوط صفویان آسیب دید، بخشی در دوره قاجار تخریب شد و بخش دیگری نیز در روند توسعه‌های شهری اخیر از دست رفت.

به همین دلیل، هر نقطه‌ای که بتواند بخشی از این پازل را کامل کند، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد.

اگر اراده‌ای جدی برای بازشناسی دولتخانه صفوی وجود داشته باشد، راه آن از کاوش‌های باستان‌شناسی می‌گذرد. هیچ روش دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. هرچقدر هم منابع تاریخی ارزشمند باشند، در نهایت این داده‌های باستان‌شناسی هستند که می‌توانند ابعاد واقعی بناها، مسیرها، فضاها و ارتباطات کالبدی را آشکار کنند.

یکی از پرسش‌هایی که همواره مطرح می‌شود این است که چرا این کاوش ادامه پیدا نکرد؟ بخشی از موضوع به محدودیت‌های مالی بازمی‌گشت. در آن زمان تأمین اعتبارات لازم با دشواری‌هایی مواجه شد. از سوی دیگر، باید توجه داشت که آغاز این پروژه نیز در پی نگرانی‌های مرتبط با مترو صورت گرفته بود.

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مازندران	
آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه برابر رای شماره ۰۷۸۰۷۰۲۸۰۷/۱۴۵۶۰۳۱۰۴۵۷ مورخ ۱۳۰۳/۰۳/۱۴۵۵ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای/خانم خدیجه رحیمی بالا درازی فرزند ناصر بشماره ملی ۰۴۱۴۴۴۲۹/۲۰۸۰ بشماره پرونده ۷۷۷- ۱۴۰۴ نسبت به شش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین با بنای احدثی به مساحت ۲۲۰ (دویست و بیست) متر مربع قسمتی از پلاک ۱۴۲ اصلی واقع در بخش ۳ ثبت ساری بالادزا	
نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک ماسال از اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال از اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آیین نامه موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی آقای/ خانم محمد جوانمردی فرد فرزند عباسعلی بشماره شناسنامه ۷۱ صادره از شهرداری/ آقای/ خانم حمید اکبری فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۵۷۶ صادره	
نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک ماسال از اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

برابر رای شماره‌های ۰۶۰۲۰۰۰۱۴۵۶۰۳۱۰۴۵۷ مورخ ۱۴۵۶/۰۸/۱۴۵۵ و ۰۲۶۱۰۲۰۰۱۴۵۶۰۳۱۰۴۵۷ مورخه ۱۴۵۵/۰۸/۱۱ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی آقای/ خانم محمد جوانمردی فرد فرزند عباسعلی بشماره شناسنامه ۷۱ صادره از شهرداری/ آقای/ خانم حمید اکبری فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۵۷۶ صادره

قدمت داشت و درک ما از ساختار اولیه چهارباغ را افزایش می‌داد. همچنین در بخش شمالی محوطه، بقایای یک قهوه‌خانه دوره قاجار به دست آمد که با اسناد تاریخی آن دوره نیز تطابق داشت.

اما شاید مهم‌تر از همه، شناسایی بخشی از باروی تاریخی اصفهان بود. در زیر لایه‌های متأخر، دیواری مورب آشکار شد که شواهد نشان می‌داد بخشی از ساختار دفاعی شهر در دوره‌های پیش از صفوی بوده است. این یافته درجه‌ای تازه به شناخت اصفهان پیشاصفوی باز کرد.

یعنی کاوش جهان‌نما تنها درباره دوره صفوی نبود؟ دقیقاً همین‌طور است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این محوطه آن بود که لایه‌های مختلف تاریخی را در خود حفظ کرده بود. ما شواهدی از دوره‌های پیش از صفوی، از جمله دوره‌های تیموری، ایلخانی، ساسانی و حتی نمونه‌هایی از هزاره اول پیش از میلاد را در قالب یافته‌های منقول به دست آوردیم.

این موضوع نشان می‌دهد که محدوده دروازه دولت و ابتدای چهارباغ فقط بخشی از تاریخ صفوی اصفهان نیست، بلکه بخشی از تاریخ بلندمدت استقرار انسانی در این منطقه را نیز در خود جای داده است.

یافته‌های معماری به‌دست‌آمده تا چه اندازه با توصیف‌هایی که جهانگردان عصر صفوی ارائه کرده‌اند مطابقت داشت؟

در کلیت موضوع، همخوانی قابل‌توجهی میان داده‌های تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی مشاهده شد. یکی از مزیت‌های کار در اصفهان این است که درباره پایتخت صفوی با حجم قابل‌توجهی از منابع مکتوب، سفرنامه‌ها و گزارش‌های تاریخی مواجه هستیم. به همین دلیل، داده‌های باستان‌شناسی در بسیاری از موارد امکان راستی‌آزمایی این اطلاعات را فراهم می‌کنند. برای نمونه، در برخی منابع به تزئینات خاص کاخ جهان‌نما اشاره شده بود. مرحوم جابری انصاری در توصیف این بنا از کاخی‌هایی با نقش‌های انسانی یاد می‌کند و با لحنی آمیخته به حسرت از تخریب آن سخن می‌گوید. در جریان کاوش، ما قطعاتی از همین کاخی‌ها را به دست آوردیم. هرچند عمده قطعات دارای نقوش گیاهی بودند، اما نمونه‌هایی نیز وجود داشت که با توصیف‌های تاریخی همخوانی داشتند.

از سوی دیگر، مطالعات پژوهشگران دیگری مانند دکتر فرشید امامی نیز نشان داد که بخشی از این تزئینات پیش از تخریب کامل بنا از محل جدا شده و بعدها سر از مجموعه‌های خارج از کشور درآورده است.

هنگامی که داده‌های تاریخی، سفرنامه‌ها، مطالعات تاریخ هنر و یافته‌های میدانی در کنار هم قرار می‌گیرند، تصویر بسیار روشن‌تری از کاخ جهان‌نما و جایگاه آن در دولتخانه صفوی به دست می‌آید.

به نظر می‌رسد کاوش جهان‌نما فقط یک پروژه محدود باستان‌شناسی نبود و به موضوع بزرگ‌تر دولتخانه صفوی گره می‌خورد. این‌طور است؟

دقیقاً همین‌طور است. اگر بخواهیم اهمیت واقعی این کاوش را درک کنیم، باید آن را در چارچوب دولتخانه صفوی ببینیم. مسئله اصلی فقط یک کاخ نیست؛ موضوع، شناخت ساختار حکومتی و کالبدی پایتخت صفوی است.

امروز بسیاری از بناهای دولتخانه صفوی از میان رفته‌اند. بخشی در جریان حوادث پس از سقوط صفویان آسیب دید، بخشی در دوره قاجار تخریب شد و بخش دیگری نیز در روند توسعه‌های شهری اخیر از دست رفت.

به همین دلیل، هر نقطه‌ای که بتواند بخشی از این پازل را کامل کند، ارزش فوق‌العاده‌ای دارد.

اگر اراده‌ای جدی برای بازشناسی دولتخانه صفوی وجود داشته باشد، راه آن از کاوش‌های باستان‌شناسی می‌گذرد. هیچ روش دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. هرچقدر هم منابع تاریخی ارزشمند باشند، در نهایت این داده‌های باستان‌شناسی هستند که می‌توانند ابعاد واقعی بناها، مسیرها، فضاها و ارتباطات کالبدی را آشکار کنند.

یکی از پرسش‌هایی که همواره مطرح می‌شود این است که چرا این کاوش ادامه پیدا نکرد؟ بخشی از موضوع به محدودیت‌های مالی بازمی‌گشت. در آن زمان تأمین اعتبارات لازم با دشواری‌هایی مواجه شد. از سوی دیگر، باید توجه داشت که آغاز این پروژه نیز در پی نگرانی‌های مرتبط با مترو صورت گرفته بود.

در واقع، مسئله اصلی برای بسیاری از مدیران شهری، تکمیل پروژه مترو و بهره‌برداری از ایستگاه بود. وقتی پروژه مترو به مرحله بهره‌برداری رسید، به‌نوعی فوریت اولیه نیز از نگاه برخی مدیران از میان رفت.

در نتیجه، اراده لازم برای تداوم کاوش در همان سطح شکل نگرفت. البته این به معنای توقف کامل پژوهش نیست. ما همچنان روی داده‌های به‌دست‌آمده کار می‌کنیم، مقالات علمی منتشر می‌شود، پایان‌نامه‌ها در حال نگارش است و مطالعات آزمایشگاهی ادامه دارد؛ اما واقعیت این است که کار میدانی، آن‌گونه که می‌توانست ادامه پیدا کند، ادامه نیافت.

اگر کاوش‌ها ادامه پیدا می‌کرد، امروز به چه پرسش‌هایی پاسخ داده شده بود؟ یکی از مهم‌ترین موضوعات، شناسایی کامل محدوده کاخ جهان‌نما بود. ما اکنون طول شمالی ـ جنوبی بنا را می‌شناسیم، اما هنوز ابعاد کامل آن در محور شرقی ـ غربی روشن نشده است.

همچنین می‌توانستیم ساختمان‌های پیرامونی کاخ را شناسایی کنیم. در تصاویر تاریخی و برخی اسناد، به فضاهای دیگری در اطراف جهان‌نما اشاره شده است. ادامه کاوش این امکان را فراهم می‌کرد که شبکه فضایی اطراف کاخ، ورودی‌ها، مسیرهای دسترسی و بناهای وابسته نیز آشکار شوند. موضوع دیگر، شناخت بهتر ساختار چهارباغ است. کشف نخستین حوض چهارباغ نشان داد که امکان شناسایی سایر عناصر این محور تاریخی نیز وجود دارد. اگر کاوش‌ها ادامه پیدا می‌کرد، شاید امروز تصویر بسیار دقیق‌تری از نظام آبرسانی و سازمان فضایی چهارباغ در اختیار داشتیم.

شما چند بار به اصفهان پیشاصفوی اشاره کردید. این موضوع چه اهمیتی دارد؟ این شاید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کمتر دیده‌شده کاوش جهان‌نما باشد. معمولاً وقتی از اصفهان سخن می‌گوییم، ذهن‌ها به دوره صفوی می‌رود؛ در حالی که تاریخ این شهر بسیار طولانی‌تر از آن است.

یافته‌های ما نشان داد که در این محدوده به لایه‌هایی از دوره‌های پیش از صفوی نیز روبه‌رو هستیم. وجود سفال‌ها، آثار معماری و شواهد فرهنگی متعلق به دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که این بخش از شهر ظرفیت بالایی برای شناخت اصفهان کهن دارد.

به بیان دیگر، کاوش جهان‌نما فقط درباره بازسازی شکوه صفوی نیست؛ بلکه می‌تواند به فهم بهتر اصفهان پیش از صفوی نیز کمک کند. این همان بخشی است که هنوز تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است.

بزرگ‌ترین کشفی که احتمال می‌دهید در ادامه کاوش‌ها حاصل می‌شد، چیست؟

در بخش شرقی محدوده کاوش، با ساختاری مواجه شدیم که همواره برای ما پرسش برانگیز بود. در عمقی چندمتری، دیواری عظیم و غیرمتعارف مشاهده شد که ماهیت و کارکرد دقیق آن هنوز روشن نشده است.

برای پاسخ به این پرسش، لازم بود کاوش در محدوده‌های مجاور ادامه پیدا کند. این احتمال وجود دارد که با یکی از عناصر مهم معماری یا زیرساختی مرتبط با دولتخانه یا حتی دوره‌های پیش از صفوی روبه‌رو باشیم.

از سوی دیگر، موضوع نظام آبرسانی چهارباغ نیز همچنان از جذاب‌ترین پرسش‌های پژوهشی است. اینکه آب چگونه

در محور چهارباغ جریان داشته، چگونه میان باغ‌ها توزیع می‌شده و مسیرهای اصلی انتقال آن چه بوده است، هنوز نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

آیا هنوز امیدی برای ادامه کاوش‌ها وجود دارد؟ قطعاً. برخلاف تصور برخی افراد، هنوز بخش‌های قابل‌توجهی از این محوطه قابلیت مطالعه دارند. مهم‌تر اینکه ادامه این کاوش‌ها لزوماً با زندگی روزمره شهر در تعارض نیست.

امروز چهارباغ به یک محور فرهنگی تبدیل شده است. انجام کاوش‌های علمی در چنین فضایی می‌تواند خود به یک رویداد فرهنگی و آموزشی تبدیل شود. در بسیاری از شهرهای جهان، شهروندان روند کاوش‌های باستان‌شناسی را از نزدیک مشاهده می‌کنند و همین موضوع به ارتقای آگاهی عمومی نسبت به میراث فرهنگی کمک می‌کند.

توقف چنین پروژه‌ای از منظر علمی چه پیامدی برای شناخت پایتخت صفوی داشته است؟

هر توقفی در پروژه‌های باستان‌شناسی به معنای از دست رفتن بخشی از فرصت شناخت است. البته خوشبختانه ما توانستیم اصل محوطه را شناسایی و در فهرست میراث ملی ثبت کنیم و این دستاورد کوچکی نیست. یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های آن دوره این بود که محوطه در فهرست آثار ملی ثبت شد. اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، شاید امروز بخش‌های بیشتری از آن در معرض آسیب قرار گرفته بود.

اما واقعیت این است که هنوز پرسش‌های فراوانی درباره این محدوده بی‌پاسخ مانده است.

هر فصل کاوش می‌توانست داده‌های جدیدی درباره دولتخانه صفوی، ساختار چهارباغ، باروی تاریخی اصفهان و حتی استقرارهای پیشاصفوی در اختیار ما قرار دهد. این‌ها موضوعاتی نیستند که فقط برای باستان‌شناسان اهمیت داشته باشند؛ بلکه بخشی از هویت تاریخی شهر اصفهان را شکل می‌دهند.

اگر امروز اختیار برنامه‌ریزی برای آینده این محوطه در دست شما باشد، چه مطالبه‌ای را مطرح می‌کنید؟

به نظر من باید نگاه پروژه‌ای و کوتاه‌مدت را کنار بگذاریم. دولتخانه صفوی یک موضوع پژوهشی یک‌ساله یا دوساله نیست؛ این یک پروژه ملی است که نیاز به برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت دارد.

ما امروز محدوده دولتخانه را می‌شناسیم. می‌دانیم در چه نقاطی احتمال وجود شواهد ارزشمند بیشتر است. می‌توان با برنامه‌ریزی علمی، این نقاط را اولویت‌بندی کرد و به‌تدریج مورد مطالعه قرار داد.

اگر چنین رویکردی شکل بگیرد، نه تنها بخش‌های ناشناخته پایتخت صفوی روشن‌تر خواهد شد، بلکه امکان حفاظت بهتر از این میراث نیز فراهم می‌شود.

مهم‌تر از همه اینکه اجازه نخواهیم داد بخشی از تاریخ اصفهان، پیش از آن‌که شناخته شود، در جریان توسعه‌های شهری برای همیشه از میان برود.

کاخ جهان‌نما امروز تنها یک محوطه باستان‌شناسی نیست؛ نمادی از پرسشی بزرگ‌تر است: آیا می‌توان میان توسعه شهری و حفاظت از حافظه تاریخی یک شهر تعادل برقرار کرد؟ پاسخ این پرسش، فقط سرزشت یک کاخ صفوی را تعیین نمی‌کند، بلکه نسبت ما با تاریخ و میراث فرهنگی را نیز روشن خواهد کرد.



آگهی مزایده عمومی اجاره زمین کارواش

سازمان مدیریت آرامستان های شهرداری تبریز در نظر دارد به استناد مصوبه هئیت مدیره سازمان به شماره ۵۱/۵۹/۶ و ماده ۲۹ فصل پنجم آیین نامه مالی معاملاتی شهرداری ها یک قطعه زمین به متراز ۱۰۰۰ متر مربع جهت احداث کارواش و ارائه خدمات رفاهی برای شهروندان محترم، واقع در مکان ذیل را به مدت ۵ سال به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط از طریق آگهی مزایده عمومی به صورت اجاره واگذار نماید.

سال اول (۱۴۰۵)	به ازای هرماه (۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال	برای یکسال شمسی (۹/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال
سال دوم (۱۴۰۶)	به ازای هرماه (۸۲۵/۰۰۰/۰۰۰)ریال	برای یکسال شمسی (۹/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال
سال سوم (۱۴۰۷)	به ازای هرماه (۹۱۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال	برای یکسال شمسی (۱۰/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال
سال چهارم (۱۴۰۸)	به ازای هرماه (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال	برای یکسال شمسی (۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال
سال پنجم (۱۴۰۹)	به ازای هرماه (۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال	برای یکسال شمسی (۱۲/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال

۱) لذا متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد از سامانه ستاد از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ (تاریخ نشر این آگهی) تا ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ مراجعه کنند.

۲) مهلت قبول پیشنهاده‌ها تا ساعت ۱۰:۰۰ روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ می باشد.

۳) پیشنهاده‌داران رسیده راس ساعت۱۴:۰۰ روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ در محل سازمان آرامستان های شهرداری تبریز مفتوح و مورد رسیدگی قرار می گیرد و حضور شرکت کنندگان در جلسه آزاد است.

تذکر: صرفا اسناد پاکت های پیشنهاد (ب) و (ج) دارای امضا الکترونیکی مورد پذیرش است و در جلسه بازگشایی پاکت های (ب) و (ج) اسناد کاذبی و اسناد غیر امضای الکترونیکی دارای مهر گمر به هیچ عنوان قابل قبول نمی باشد.

• ضمانت ثبت مزایده (۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال) می باشد که می بایست بعد از بازگذاری اطلاعات در سامانه به صورت اخذ ضمانتنامه بانکی یا به شماره شبک 100636462670 IR 100636462670 ثبت جهت کسب اسطاعات بیشتر به امور قراردادها سازمان آرامستان ها واریز گردد. لازم به ذکر است. چنانچه برندگان اول و دوم مزایده حاضر به عقد قرارداد با سازمان مدیریت آرامستان های شهرداری تبریز نشوند سپرده یا ضمانتنامه آنان به ترتیب به نفع سازمان ضبط خواهد شد.

• محل تسلیم پاکات ضمانتنامه پس از بازگذاری مدارک در سامانه فوق در پاکت دربسته و مهر شده و امضا مدیرعامل یا صاحب امضاء معتبر به آدرس اتوبان شهید کسائی – سازمان آرامستان های شهرداری تبریز، ساختمان اداری، واحد امور اداری تحویل و رسید دریافت نمایند.

• شرکت کنندگان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به امور قراردادها سازمان آرامستان ها واقع در اتوبان شهید کسائی، سازمان آرامستان های شهرداری تبریز مراجعه فرمایند.

میراعتماد عمادی – مدیرعامل سازمان مدیریت آرامستان های شهرداری تبریز

دولت مقرر کرده است اراضی ملی مشمول ماده ۴ با تخفیف ۹۰ درصدی به متقاضیان روستایی واگذار شود

حراج «اراضی ملی» در روستاهای گیلان

استانداری بدون اعلام جزئیات، تنها می‌گوید این مصوبه به نفع

روستاییان است؛ اراضی جلگه‌ای را به آن‌ها می‌دهیم

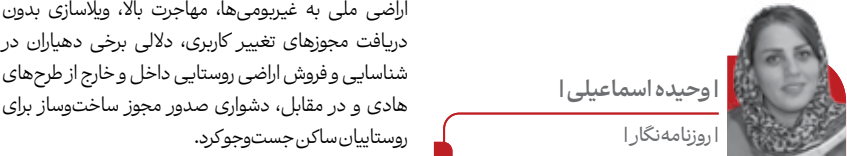
بنیاد مسکن می‌گوید چیزی به ما ابلاغ نشده است



ابرار (ع)

تغییر کاربری اراضی باغی وزرعی در روستاها فرایندی سخت وزمان‌براست و طبق قانون حفظ کاربری اراضی زراعی وباغ‌ها، هرگونه تغییر کاربری به مسکونی نیازمند دریافت مجوزهای متعدد واستعلام از دستگاه‌های اقتصاد کشاورزی، بنیاد مسکن، منابع طبیعی ودیاری‌هاست؛ فرایندی که هزینه‌های بالایی نیز به همراه دارد. موضوعی که به گفته روستاییان، ساخت‌وساز را برای آن‌ها غیرممکن یا محدود کرده است، اما این فرایند برای افراد غیریومی‌گاه رعایت نمی‌شود. در نتیجه، شاهد رشد ویلاسازی در برخی مناطق روستایی گیلان توسط مهاجران وغیریومی‌ها هستیم. اخیراً در جلسه‌ای با حضور استاندار گیلان ومقامات بنیاد مسکن، مصوب شد اراضی ملی مشمول ماده ۴ با تخفیف ۹۰ درصدی به متقاضیان روستایی واگذار شود. اراضی ماده ۴ شامل زمین‌های ملی است که در چارچوب ضوابط قانونی وباهداف تأمین زمین برای ساخت مسکن روستایی، حفظ جمعیت روستایی، جلوگیری از مهاجرت به شهرها، مقابله باتصرفات غیرقانونی وحفظ منابع طبیعی به متقاضیان واگذار می‌شود.

در حالی که هدف این طرح، تسهیل خانه‌دار شدن روستاییان وجلوگیری از مهاجرت عنوان شده است، کارشناسان به دلیل نبود سازوکارهای شفاف نظارتی، احتمال می‌دهند مسیر برای شکل‌گیری رانت وتغییر کاربری‌های غیرقانونی جدید فراهم شود.



اوچیده اسماعیلی ا

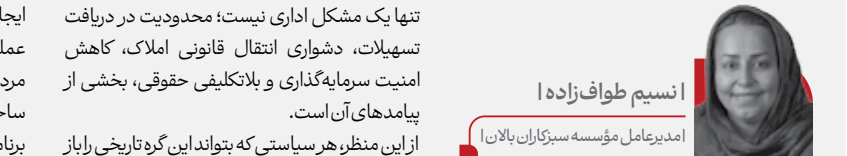
روزنامه نگارا

در سال‌های اخیر نرخ رشد جمعیتی روستاهای گیلان روند کاهشی داشته است. کارشناسان می‌گویند می‌توان علت این وضعیت را د ر عواملی مانند وجود رانت در دستکاران غیر آگاهان کرده است.

در دهه‌های اخیر، اقتصاد گیلان آرام‌آرام از اقتصاد تولید به اقتصاد زمین نزدیک شده است

آزمون حکمرانی بر انفال

در گیلان، زمین هیچ‌گاه فقط زمین نبوده است. اینجا هر وجب خاک، حافظه یک خانواده، سرمایه یک روستا، بخشی از امنیت غذایی کشور وتکه‌ای از میراث طبیعی ایران است. شاید به همین دلیل، هرگاه سخن از زمین به میان می‌آید، مسئله تنها مالکیت نیست؛ سخن از نسبت مردم با سرزمین، نسبت دولت با قانون ونسبت امروز با آینده است.



انسیم طواف زاده ا

امدیرعامل مؤسسه سبزگران بالان ا

کافی است از روستاهای جلگه‌ای شرق گیلان تا دامنه‌های تالش ودیلمان عبور کنیم. خانه‌هایی را می‌بینیم که عمرشان از بسیاری از قوانین مربوط به اراضی ملی بیستراست؛ خانه‌هایی که دولت‌برای آن‌ها برق کشیده، آب‌رسانی کرده، مدرسه ساخته، راه آسفالت‌ه احداث کرده و خدمات عمومی ارائه داده است؛ اما صاحبان همان خانه‌ها هنوز برای دریافت سند مالکیت میان اداره منابع طبیعی، بنیاد مسکن، ثبت اسناد و دیهاری‌ها سرگردان‌اند. سال‌هاست در خانه‌ای زندگی می‌کنند که دولت آن را به رسمیت شناخته، اما قانون هنوز درباره آن به جمع‌بندی نرسیده است.

در همین استان، چندکیلومترآن‌سوتر، زمین دیگر نه محل زندگی، بلکه کالایی برای سرمایه‌گذاری است؛ قیمت آن هر روز افزایش می‌یابد، دست‌به‌دست می‌شود، تغییر کاربری می‌دهد و آرام‌آرام از چرخه تولید خارج می‌شود. در یک سو، خانواده‌ای قرار دارد که سال‌هاست در انتظار تعیین تکلیف حقوقی خانه خود مانده و در سوی دیگر بازاری که هر خبر مرتبط با زمین را به فرصتی برای سوداگری تبدیل می‌کند. این دو تصویر هر دو واقعی‌اند و هر دو گیلان امروز را روایت می‌کنند. در چنین فضایی، خبر واگذاری اراضی ملی به روستاییان با ۹۰ درصد تخفیف، بیش از آنکه یک تصمیم اجرایی باشد، به آزمون برای آشنایی بر سرزمین تبدیل می‌شود.

۳ هزینه بی‌تصمیمی

بی‌تردید، هزاران خانوار روستایی سال‌هاست هزینه بی‌تصمیمی دولت را می‌پردازند. فقدان سند رسمی،

پیام گیلان

طبق اعلام بنیاد مسکن گیلان، بیش از ۲ هزار روستای استان دارای طرح هادی هستند که به نظر می‌رسد ظرفیت کل اراضی مشمول ماده ۴ در این تعداد روستا، حدود ۳۶۰۰ هکتار از اراضی منابع طبیعی و ملی باشد. اگرچه عمده این اراضی در تصرف روستاییان قرار دارد، اکنون قرار است با تخفیف ۹۰ درصدی وبه‌طور کامل برای ساخت‌وساز به آن‌ها واگذار شود. روستاییان اما می‌گویند سال‌ها برای دریافت مجوز ساخت مسکن در اراضی خود با محدودیت‌های ناشی از طرح‌های هادی روستایی مواجه بوده‌اند، اما هم‌زمان بسیاری از افراد غیریومی بدون مجوز در زمین‌های متعلق به دولت ساخت‌وساز کرده‌اند و اکنون با مصوبه جدید، امکان واگذاری بیشتر اراضی ملی به متصرفان وغیریومیان فراهم می‌شود. آن‌ها می‌گویند قرار بود این طرح به‌عنوان یک سند راهبردی توسعه روستایی، از روستا و روستاییان صیانت وحفاظت کند، نه اینکه در عمل بستری برای ساخت خانه‌های دوم وسوم غیریومی‌ها فراهم شود. هم‌زمانی اعلام این مصوبه با طرح بلندمرتبه‌سازی در گیلان، نگرانی‌های روستاییان را دوچندان کرده‌است.

«محمود حسنی» از روستای «بیج» رشت می‌گوید او و خانواده‌اش چند نسل در این روستا سکونت دارند وشغل اصلی‌شان شالی‌کاری وصیفی‌کاری است، اما اجازه ندارد در زمین پدری که به ارث برده، خانه‌ای برای پسر جانش بسازد. او با بیان اینکه قوانین دست‌وپاگیر طرح هادی فقط شامل حال روستاییان بومی می‌شود، می‌گوید: «اگر همین حالا باغ کنار خانه‌ام را به یک فرد غیریومی واگذار کنم، بلافاصله سند ومجوز ساخت‌وساز از سوی بنیاد وجهاد کشاورزی برای او صادر می‌شود؛ در مقابل، فرزند روستازاده من زیر بار هزینه‌های مسکن در شهر خم شده‌است.»

«علی اکبر جباری» یکی دیگر از روستانشینان روستای «شالگو» از توابع شهرستان رشت نیز در این زمینه می‌گوید: «واقعاً چرا همه قوانینی که برای روستانشینان صادر می‌شود، علیه آن‌هاست؟ مدت‌هاست در زمینی که به من ارث رسیده و در مجاورت منطقه مسکونی وباغی این روستا قرار دارد، اجازه ساخت بنا نمی‌دهند. اما یک غیریومی به‌راحتی با خرید یک قطعه باغ یا شالیزار، خانه ویلایی شیک خود را می‌سازد.»

به عقیده این روستایی، صدور چنین مجوزهایی بیشتر به نفع غیریومی‌ها و تسهیل فروش اراضی روستایی از سوی بنیاد مسکن در راستای درآمدزایی است تا حفظ بافت اراضی وتثبیت جمعیت روستاها. او معتقد است اجرای چنین مصوباتی فرصت بیشتری برای تغییر کاربری گسترده اراضی شالیزاری استان فراهم می‌کند.

این نگرانی در نخستین روزهای اعلام این طرح از سوی «مجید الهیان»، رئیس کل دادگستری گیلان نیز مطرح شد. الهیان در نشست خبری هفته قوه قضاییه با تأکید بر صیانت از اراضی ملی استان در برابر متصرفان گفته بود: «منابع سوء استفاده از طرح واگذاری اراضی ملی مشمول ماده ۴ به روستاییان می‌شویم. این طرح برای افرادی است که سالیان سال در آن زمین سکونت دارند؛ بنابراین شامل متصرفان جدید اراضی ملی نمی‌شود و دستگاه فضا مانع سوء استفاده افراد سودجو از این طرح خواهد شد که برای حمایت از روستاییان قرار است به اجرا درآید.»

در عین حال، بنیاد مسکن گیلان به‌عنوان مجری طرح واگذاری اراضی روستایی از سوی دولت، وظیفه شناسایی و فروش این اراضی با تخفیف ۹۰ درصدی را برعهده دارد، اما تاکنون آماری از میزان مساحت این اراضی واسامی روستاهای واجد شرایط واگذاری اعلام نکرده است. تنها موضوع اعلام‌شده از سوی بنیاد مسکن، جلگه‌ای بودن این اراضی است که شامل

اراضی ومراکز کوهستانی وییلاقی نخواهد بود.

۳ طرح ابلاغ نشده

به گفته «سید ابراهیم خوشروی سقا»، مدیر روابط عمومی بنیاد طرح به بنیاد مسکن کشور وسبب گیلان به‌صورت مکتوب ارائه نشود، هیچ آماری از شناسایی اراضی واجرای این طرح در دسترس رسانه‌ها نخواهد بود.

«حامد داتمی»، مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گیلان نیز در حالی که پاسخ‌گوی رسانه «پیام‌ما» نشد، صرفاً با ارسال خبری درباره اجرای این طرح، آن را اقدامی برای حمایت از روستاییان و توسعه پایدار روستاها دانست واعلام کرد: «در این طرح، گامی مؤثر در تسهیل خانه‌دار شدن واجدان شرایط، تثبیت جمعیت روستایی و تقویت روند توسعه وآبادانی روستاهای گیلان خواهد بود.»

بر اساس آمارهای موجود در خبرگزاری‌ها وسایت‌های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جهاد کشاورزی و منابع طبیعی گیلان، بالغ بر ۳۶۰۰ هکتار زمین تصرفی متعلق به اراضی ملی تحت اختیار بنیاد مسکن و منابع طبیعی (۹۵ درصد اراضی) مشمول قانون ماده ۴ خواهند بود که شامل بیش از ۸۰ روستا است و عمدتاً در مناطق غربی استان قرار دارند.

طبق همین آمارها، شهرستان‌های تالش، ماسال، خمام، رضوانشهر وبخش‌هایی از رشت وقومین بیشترین اراضی ملی تصرف‌شده توسط روستاییان را در جوار روستاهای مشمول طرح هادی در اختیار دارند که می‌توانند در زمره این واگذاری‌ها قرار گیرند.

همچنین اراضی ملی واقع در جنگل‌ها ومراکز استان شامل این واگذاری‌ها نخواهد بود. طبق گفته معاونت حفاظت وامور اراضی منابع طبیعی وآبخیزداری گیلان به «پیام‌ما»، همه این اراضی در داخل طرح هادی روستایی قرار دارد.

«محمد رضا کشاورز» به «پیام‌ما» می‌گوید: «منابع طبیعی موظف است اراضی محدوده طرح هادی که شامل خانه ومحوطه باغی می‌شود را صرفاً در مناطق جلگه‌ای به بنیاد مسکن تحویل دهد. در حال حاضر نیز آماری از سوی بنیاد درباره میزان مساحت این اراضی به منابع طبیعی ارائه نشده است. نکته مهم این است که این عرصه‌ها نباید شامل ممنوعیت‌های قانونی منابع ملی باشند؛ از جمله جنگل، مرتع وبیشه.»

«هادی کاوشناس»، استاندار گیلان نیز بارها از اجرای این طرح در راستای صیانت از اراضی روستایی وبهربرداری روستاییان بومی از اراضی ملی دفاع کرده است.

او با بیان اینکه بخش قابل توجهی از اراضی ۲ هزار روستای دارای طرح هادی جزو اراضی منابع طبیعی و ملی است، می‌گوید: «در بسیاری از این روستاها، زمین‌ها سال‌ها در تصرف وبهربرداری روستاییان بوده و در همان اراضی ساخت‌وساز مسکونی انجام شده و روستاییان در حال زندگی هستند. با توجه به سکونت طولانی مدت آنان در این مناطق، واگذاری این اراضی با احتاط ۹۰ درصد تخفیف انجام و تنها ا درصد ارزش زمین از متقاضیان دریافت می‌شود.»

حق‌شناس هدف از این طرح را تقویت ماندگاری جمعیت در روستاها عنوان می‌کند و می‌گوید: «این اقدام می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از مهاجرت روستاییان وتثبیت جمعیت در مناطق روستایی داشته باشد.»

در حالی که دولت معتقد است با واگذاری این اراضی در بستر طرح‌های هادی، از تغییر کاربری‌های غیرمجاز گسترده در روستاها جلوگیری می‌شود و زمین مورد نیاز متقاضیان اراضی با احتاط ۹۰ درصد تخفیف انجام و تنها ا درصد ارزش زمین از متقاضیان دریافت می‌شود.»
حق‌شناس هدف از این طرح را تقویت ماندگاری جمعیت در روستاها عنوان می‌کند و می‌گوید: «این اقدام می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از مهاجرت روستاییان وتثبیت جمعیت در مناطق روستایی داشته باشد.»
در حالی که دولت معتقد است با واگذاری این اراضی در بستر طرح‌های هادی، از تغییر کاربری‌های غیرمجاز گسترده در روستاها جلوگیری می‌شود و زمین مورد نیاز متقاضیان اراضی با احتاط ۹۰ درصد تخفیف انجام و تنها ا درصد ارزش زمین از متقاضیان دریافت می‌شود.»

ا کوسیستم‌هایی که کوچک‌ترین مداخله در آن‌ها، آثار بلندمدتی بر جای می‌گذارد. هر ترموجر از این خاک، هم‌زمان چند کارکرد دارد: تولید غذا، حفظ تنوع زیستی، تنظیم چرخه آب، پایداری اقلیم محلی وتأمین معیشت هزاران خانواده. از این رو، هیچ سیاستی زیر ذریع، حتی اگر با نیت حمایت از مردم تدوین شده باشد، نمی‌تواند خود را از الزامات حکمرانی سرزمین وآمایش فضایی بی‌نیاز بداند. گیلان امروز تنها با مسئله تعیین تکلیف سکونتگاه‌های قدیمی روبرو نیست. گیلان در دودعه گذشته، وارد مرحله‌ای تازه از تحولات اجتماعی و اقتصادی شده است؛ تحولی که کمتر درباره آن سخن گفته‌ایم وبیشتر آرایش را دیده‌ایم.

اقتصاد گیلان، آرام‌آرام از اقتصاد تولید به اقتصاد زمین نزدیک شده است. افزایش قیمت زمین در کلانشهرها، توسعه دورکاری، جذابیت اقلیمی استان، گسترش خانه‌های دوم ومهاجرت داخلی، گیلان را به یکی از مهم‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری ملکی کشور تبدیل کرده است. این اتفاق، بی‌نقص نه چرم است و نه حتی ناپسند. هر شهروند ایرانی حق دارد محل زندگی خود را انتخاب کند و در هر نقطه از کشور سرمایه‌گذاری کند. مسئله، مهاجرت نیست؛ مسئله، فقدان سیاستی است که بتواند میان حقوق شهروندان، ظرفیت سرزمین و منافع عمومی تعادل برقرار کند.

وقتی زمین، بیش از آنکه ارزش تولیدی داشته باشد، ارزش سرمایه‌ای پیدا می‌کند، قواعد بازی تغییر می‌کند. شالیزار دیگر فقط محل شکت رنج نیست؛ دارایی مالی است. خانه روستایی دیگر فقط محل زندگی نیست؛ فرصت سرمایه‌گذاری است. حتی سکونتگاه‌های قدیمی نیز ممکن است به بخشی از چرخه سوداگری تبدیل شوند. در چنین شرایطی، هر تصمیمی که به مالکیت زمین مربوط باشد، نه تنها بر زندگی روستاییان، بلکه بر رفتار بازار نیز اثر می‌گذارد؛ به همین دلیل است که هر سیاست مرتبط با اراضی ملی باید یک پیوست حکمرانی زمین نیز داشته باشد.

پرسش‌هایی از این دست، پیش از اجرا باید پاسخ روشن داشته باشند: آیا این اراضی تا مدت معینی قابل نقل وانتقال خواهند بود؟ آیا برای جلوگیری از انتقال‌های

صورتی مالکیت، سازوکار مشخصی پیش‌بینی شده است؟ چگونه میان سکونت واقعی وبهربرداری فرصت‌طلبانه تمایز ایجاد خواهد شد؟ آیا سامانه‌ای برای نظارت عمومی بر اجرای این مصوبه وجود دارد؟

این‌ها پرسش‌های محال نیست. تصمیم نهایی بر

پرسش‌های یک سیاست‌گذاری مسئولانه است.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که بازار همواره سریع‌تر از قانون حرکت می‌کند. هرچا ضابطه میهم

باشد، واسطه‌گری، سوداگری ودورزدن قانون، راه خود



روزنامه



درصدی زمین‌های ملی با هدف تأمین زمین برای ساخت مسکن روستایی در گیلان، مصداق «دیگ به نام یکی، آتش به کام دیگری» است.

۳ شتاب در شهری‌شدن

«روناک روشن»، شهرساز ومعمار در گفت‌وگو با «پیام‌ما» توضیح می‌دهد: «توسعه روستایی گیلان به‌طور مشخص از مسیر شهری‌شدن گذشته وامروز شتابان به راه خود ادامه می‌دهد. آنچه مشخص است اینکه در یک فرایند کاملاً از پیش تعیین‌شده وطبقه‌بندی‌شده، تصمیم‌های بالادستی به‌جای نگهداشت روستاییان واحیای مشاغل، افزایش جمعیت مهاجریذیر، چندمسکنی‌ها وتفرجگاه‌ها را هدف گرفته‌اند. در نتیجه، اقتصاد روستایی که بر زمین، دام ودانش بومی استوار بوده، به‌تدریج به اقتصاد مبتنی بر سوداگری ودلای زمین تبدیل شده‌است.»

او می‌گوید: «طرح هادی به‌عنوان مهم‌ترین طرح آسیب‌زا در تغییر بافت‌های روستایی و به عقب راندن آن‌ها از عرصه اشتغال ریشه‌دار دارای ایرادات اساسی است؛ از جمله نادیده گرفتن نیازهای واقعی هر منطقه و هر بافت، بدون شناخت مسائل اجتماعی واقتصادی وبدون پهنه‌بندی متناسب با ویژگی‌های هر منطقه. در ۱۰ سال گذشته، روستاییانی که با بحران‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عملاً تحت تأثیر این تصمیم‌های بالادستی، بیش‌ازپیش در تنگ‌نار قرار گرفته‌اند. در مقابل، این روند عرصه را برای سوداگری زمین، ساخت‌وسازهای غیرمجاز وتغییر چهره روستاها از طریق ویلاسازی فراهم کرده است.»

روشن با اشاره به اینکه مطالعه پژوهش‌های مربوط به فرایند توسعه روستایی نشان می‌دهد این فرایند امروز به ضد خود تبدیل شده است، می‌گوید: «می‌توان احتمال داد که این مصوبه بدون در نظر گرفتن ملاحظات لازم در اجرا، چراغ سبزی برای از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، باغ‌های چای و دیگر عرصه‌های تولیدی باشد.»

به گفته او، مسکن در گیلان و ایران نه به‌عنوان کالایی برای برطرف کردن یک نیاز اساسی، بلکه به نیازی برای سوداگری تبدیل شده است. او توضیح می‌دهد: «مازاد تولید آن وتبعات رقابتی این بازار جدا از هجوم به بافت‌های روستایی برای تفکیک زمین‌ها، چه در محدوده‌های سکونتگاهی و چه در شالیزارها وباغ‌ها، مسیر تخریب محیط‌زیست را نیز پرنرگتر کرده و فشار مضاعفی بر طبیعت وجنگل‌های هیکرانی وارد آورده است.»

او ادامه می‌دهد: «مصوبه مذکور شاید در نگاه نخست، برای برداشتن موانع و رفع برخی ایرادات طرح هادی باشد، اما به نظر می‌رسد شاکله آن بدون چارچوب مشخص تدوین شده است. باید دانست که روستایی ماندن، صرفاً به ساخت مسکن محدود نمی‌شود؛ بلکه هویت، زیست، اقتصاد و اشتغال وابسته به همان پهنه‌بندی است، نه بستری افسارگسیخته برای خانه‌های دوم وسوم با کارکرد صرفاً تفرجگاهی. تجربه نشان داده است که این نوع سکونت، نه ارتباط و پیوندی با پهنه‌بندی وزیست روستایی دارد و نه به اقتصاد محلی کمک می‌کند، بلکه آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری نیز به همراه داشته است.»

روشن تأکید می‌کند: «طرح هادی به‌عنوان یک سند راهبردی برای توسعه روستایی باید در گام نخست پاسدار صیانت از روستا و روستاییان باشد. بازنگری و ویرایش این طرح نیز باید توسط تیم‌هایی انجام شود که درک درستی از اجتماع وفرایند شکل‌گیری روستا داشته باشند وبا استقرار در هر منطقه، صورت‌بندی دقیق وعمیقی از ویژگی‌های آن ارائه کنند.»

۳ راهبردهای حکمرانی

درباره زمین تصمیم گرفت، بی‌آنکه هم‌زمان به کشاورزی، محیط‌زیست، توسعه روستایی، سرمایه‌گذاری وآینده سرزمین اندیشید.

این همان معیاد حکمرانی خوب است؛ تصمیمی که نه صرفاً قانونی باشد، نه صرفاً محبوب، بلکه بتواند میان منافع کوتاه‌مدت وحقوق بلندمدت جامعه تعادل برقرار کند. شاید امروز بیش از آنکه به تخفیف ۹۰ درصدی بیندیشیم، باید به کیفیت حکمرانی بر انفال فکر کنیم. دولت، اگر خود را امین بداند، ناگزیر است پیش از هر تصمیم از خود پرسد که آیا این سیاست تنها بهره‌امروز را باری‌کند یا گری‌تازه برای فردا می‌سازد؟

گیلان، بیش از هر زمان دیگری، به چنین پرسشی نیاز دارد. ما سال‌هاست درباره حفظ جنگل‌ها، نجات تالاب انزلی، جلوگیری از تغییر کاربری شالیزارها ومهار ویلاسازی سخن گفته‌ایم؛ اما کمتر از این پرسیده‌ایم که آیا نظام تصمیم‌گیری ما اساساً قادر به حکمرانی بر زمین هست یاخیر؟

در زمانی که پاسخ این پرسش روشن نشود، هر مصوبه‌ای – حتی اگر با نیت خیرخواهانه تدوین شده باشد– ممکن است به بخشی از مسئله تبدیل شود، نه بخشی از راه‌حل. شاید وقت آن رسیده باشد که به جای آنکه هر بار درباره نحوه واگذاری زمین سخن بگوییم، از خود پرسیم چرا در استانی که زمین، ارزشمندترین سرمایه طبیعی آن است، هنوز «سیاست زمین» نداریم؛ سیاستی که هم حق روستایی را به رسمیت بشناسد، هم حرمت انفال را حفظ کند و هم سهم نسل‌های آینده را از این امانت فراموش نکند.

آنچه آینده گیلان را تضمین می‌کند، نه ارزان‌تر واگذار کردن زمین، بلکه عادلانه‌تر و عاقلانه‌تر حکمرانی

کردن بر آن است.



آسیب شناسی خاموش کردن مطالبه‌گری مدنی در چابهار



ایونس زین الدینی ا

افعال اجتماعی ا

این روزها با اترس‌گیری بحث پروژه خط لوله انتقال متانول چابهار، بار دیگر نگرانی‌های قدیمی مردم و فعالان مدنی به صدر گفت‌وگوهای محلی بازگشته است. پروژه‌ای که از همان ابتدا، اصل آن محل اختلاف نبود؛ بلکه جانمایی سایت پتروشیمی در چند کیلومتری بافت شهری و ساحل، در بدو تأسیس و پس از آن، مسیر انتخاب‌شده برای انتقال خط لوله متانول، به محل مناقشه میان جامعه محلی و مجریان طرح تبدیل شد.

بسیاری از شهوندان، کارشناسان و فعالان اجتماعی معتقد بودند عبور این خط لوله از محدوده یا مجاورت بافت شهری، علاوه بر ایجاد مخاطرات ایمنی، با اصول توسعه پایدار و حقوق شهروندی همخوانی ندارد و باید مسیرهای جایگزین با دقت بیشتری بررسی شود. متانول ماده‌ای قابل اشتعال و سمی است و هرچند انتقال آن از طریق خط لوله در بسیاری از نقاط جهان انجام می‌شود، رعایت فاصله ایمن از مناطق مسکونی، انجام مطالعات دقیق ارزیابی ریسک و شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری، از بدیهی‌ترین الزامات چنین پروژه‌هایی است. مطالبه اصلی منتقدان نیز هیچ‌گاه توقف توسعه یا مخالفت به سرمایه‌گذاری نبود؛ بلکه خواسته آنان اجرای پروژه بر مبنای استانداردهای ایمنی، حفظ حقوق شهروندان و شفافیت در انتخاب مسیر بود.

حدود دوسال پیش، مقاومت‌هایی در برابر اجرای پروژه خط انتقال متانول شکل گرفت. این مقاومت‌ها نه حاصل حساسیت نهادهای مسئول، بلکه نتیجه فشار افکار عمومی و پیگیری فعالان مدنی بود. در جلسات مختلف، بارها نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی، مخاطرات احتمالی وآثار بلندمدت اجرای پروژه هشدار داده شد، اما این هشدارها هرگز به تصمیمی مؤثر برای بازنگری در مسیر پروژه منجر نشد.

در سوی دیگر، مجریان پروژه با برنامه‌ریزی بیشتری وارد عمل شدند. فضای مطالبه‌گری به‌تدریج پرهزینه شد؛ فعالانی که تلاش می‌کردند صدای جامعه محلی باشند، با احضارها و پیگیری‌های قضایی روبه‌رو شدند و بسیاری ترجیح دادند سکوت کنند. نمونه آن وسیم هوت، جوان چابهار،ی است که نام او هنوز در حافظه افکار عمومی باقی مانده‌است.

هم‌زمان، بخشی از رسانه‌های محلی نیز از نقش اصلی خود فاصله گرفتند. به جای آنکه رسانه زبان مردم و ناظر بر عملکرد قدرت باشد، بخش مهمی از فضای رسانه‌ای به بازتاب روایت‌های تبلیغاتی شرکت‌های بزرگ اختصاص یافت. همچنین، توزیع منابع مالی در قالب مسئولیت اجتماعی، حمایت‌های رسانه‌ای و ایجاد شبکه‌ای از ذی‌نفعان محلی، فضایی ایجاد کرد که در آن صدای منتقدان هر روز ضعیف‌تر و روایت رسمی هر روز پرنفوذتر شد. بخشی از ساکنان حاشیه‌نشین نیز با توزیع سبب کالا و بسته‌های حمایتی، در کانون توجه برنامه‌های جلب رضایت اجتماعی قرار گرفتند.

اما تلخ‌ترین بخش ماجرا، وضعیت امروز است. اکنون که بخش عمده‌ای از پروژه اجرا شده و فرصت‌ها و اصل‌های اصلاح از دست رفته است، همان مسئولانی که قانون، دفاع از حقوق شهروندان را بر عهده‌آنان گذاشته بود، به جای پاسخگویی، خود را در جایگاه مطالبه‌گر قرار داده‌اند؛ گویی از ابتدا هیچ نقشی در این روند نداشته‌اند. آنان مردم را به نهادهای بالادستی ارجاع می‌دهند، اما کمتر سختی از مسئولیت خود به میان می‌آورند.

پیش‌آموز مردم چابهار این نیست که توسعه چرا انجام می‌شود؛ پیش‌این است که چرا توسعه بدون گفت‌وگوی واقعی با جامعه محلی، بدون انتشار شفاف مطالعات فنی و بدون پاسخگویی به نگرانی‌های شهروندان پیش می‌رود؟

اگر قرار باشد توسعه به قیمت نادیده‌گرفتن اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندان تمام شود، آنچه آسیب می‌بیند فقط محیط‌زیست یا بافت شهری نیست؛ سرمایه اجتماعی نیز قربانی خواهد شد.

پرونده خط لوله متانول، آزمونی برای سنجش میزان پایداری مدیران به قانون، شفافیت و مسئولیت‌پذیری است؛ آزمونی که متأسفانه تاکنون، بیش از آنکه نشانی از پاسخگویی در آن دیده شود، ردپای سکوت، انفعال و فرافکنی در آن به چشم می‌خورد.

آگهی مفقودی

کلیه مدارک شامل برگ سبز کارت سوخت، کارت ماشین قاتر خربد یک دستگاه پراید ۱۳۰۰ مدل ۱۳۹۰ رنگ سفید به شماره شاسی 5341229043 و شماره موتور ۴۲۳۰۱۳۹۰ پلاک ایران -۴۵- ۳۷۲۵۳۴ مفقود گردیده در درجه اعتبار ساقط است.

بم

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت خودروی سواری پراید سایپا تپ ۱۳۱ مدل ۹۰ به رنگ سفید به شماره موتور ۴۵۰۳۳۳۱ و شماره شاسی 5341229043 و شماره پلاک ایران ۵۳۱ ۵۴ مفقود شده است

بم



— ۳ —
(ع)

گام‌های متزلزل به سوی حذف پلاستیک

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست از اقدامات فرهنگی برای نه گفتن به پلاستیک خبر داد

مدیریت پسماند، به‌ویژه پسماندهای خشک، سال‌هاست به یکی از چالش‌های مهم کشور تبدیل شده است؛ چالشی که برای حل آن قوانین و آیین‌نامه‌های متعددی وجود دارد، اما بسیاری از آنها به‌درستی اجرا نشده‌اند. اکنون پویشی با عنوان «نه به پلاستیک» در آران مسیر خود قرار دارد؛ پویشی ملی با مسئولیت سازمان حفاظت محیط زیست که بخش مهمی از آن بر اقدامات فرهنگی متمرکز است. این در حالی است که پلاستیک در ایران کالایی پرمصرف و ارزان محسوب می‌شود و تنها ۱۰ درصد آن در کشور بازیافت می‌شود.

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در گفت‌وگو با «پیام‌ما» درباره این پویش گفت: «برای حل مشکلات پسماند، باید ابزارهای اقتصادی را همراه با کار فرهنگی به‌کار گرفت، اما این کار نیازمند برنامه‌ای گام‌به‌گام و اولویت‌بندی شده است.»

تاکنون برنامه‌های مختلفی برای کاهش مصرف پلاستیک‌های یک‌بارمصرف در کشور اجرا شده، اما به نتیجه مشخصی نرسیده است و باید دید این پویش در نهایت تا چه اندازه می‌تواند به کاهش مصرف پلاستیک منجر شود.



انگین شریفی ا

اخبرنگارا

شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، صبح یکشنبه (۲۱ تیر) در نشست خبری درباره پویش ملی «نه به پلاستیک»، چالش‌های دیرینه مدیریت پسماند در ایران را تشریح کرد و گفت: «موضوع پسماند طی دهه‌های گذشته به یکی از مسائل اساسی ایران تبدیل شده است و به دلیل کم‌توجهی به اجرای برنامه‌های مدیریت پسماند، با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده‌ایم.»

او به قانون «مدیریت پسماند» مصوب سال ۱۳۸۳ و همچنین آیین‌نامه‌های مرتبط اشاره کرد و افزود: «با گذشت ۲۲ سال از تصویب قانون مدیریت پسماند و سایر آیین‌نامه‌ها، هنوز با چالش‌های جدی در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله مدیریت پسماند خانگی، روبه‌رو هستیم. اگرچه در سال‌های اخیر اقداماتی به‌صورت پراکنده انجام شده، این اقدامات برای حل ریشه‌ای مشکلات کافی نبوده است. به همین دلیل تلاش کرده‌ایم در دولت چهاردهم این موضوع با

نیست، بلکه ضرورتی ملی و اقتصادی محسوب می‌شود. او گفت: «پلاستیک از نفت و محصولات پتروشیمی تولید می‌شود؛ بنابراین هرچه مصرف غیرضروری آن کاهش یابد، امکان استفاده بهینه از منابع نفتی برای تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر فراهم خواهد شد. این رویکرد، علاوه بر حفاظت از محیط زیست، به توسعه اقتصاد چرخشی و تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر کمک می‌کند.»

❗ مصرف ۲۰ دقیقه، ماندگاری ۵۰۰ سال

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست آماری از مصرف کیسه‌های پلاستیکی ارائه کرد و گفت: «بیش از ۹۵ درصد کیسه‌های پلاستیکی تنها یک‌بار استفاده می‌شوند و عمر مفید آنها بین ۱۲ تا ۲۰ دقیقه است، در حالی که تجزیه آنها در طبیعت بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال زمان می‌برد.»

او برای اصلاح الگوی مصرف بر استفاده هم‌زمان از ابزارهای تشویقی و بازدارنده تأکید کرد و گفت: «باید در کنار تدوین قوانین و اعمال محدودیت‌ها، مشوق‌هایی نیز در نظر گرفته شود تا افراد، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی برای کاهش مصرف محصولات پلاستیکی ترغیب شوند.»

انصاری همچنین از نقش صنایع تولیدکننده در کاهش مصرف پلاستیک گفت: «این صنایع باید مسئولیت اجتماعی خود را در این زمینه انجام دهند و در کاهش مصرف پلاستیک و توسعه و استفاده از فناوری‌های جایگزین پایدار نقش مؤثری ایفا کنند.»

او هدف از این پویش را نه یک برنامه مقطعی و مناسبی، بلکه برنامه‌ای مستمر و هدفمند معرفی کرد که شاخص‌های مشخص و قابل اندازه‌گیری برای آن تعیین شده و در قالب برنامه‌ای منسجم دنبال می‌شود.

❗ مشکلات باید گام‌به‌گام حل شوند

در این نشست چند بار تأکید شد که پویش «نه به پلاستیک» بر جنبه‌های فرهنگی تمرکز دارد؛ این در حالی است که مشکل گسترده پسماند در کشور را نمی‌توان صرفاً مسئله‌ای فرهنگی دانست. این موضوع در قالب پرسشی از سوی خبرنگار «پیام‌ما» مطرح شد: «آیا قرار است مسئله پسماند صرفاً با سازوکارهای فرهنگی حل شود؟ آن هم در شرایطی که یکی از مهم‌ترین دلایل شکست برنامه‌های مختلف مقابله با پسماند، قیمت ارزان پلاستیک‌های یک‌بارمصرف و ناکارآمدی قوانین و آیین‌نامه‌های موجود است. این پویش چه راهکاری برای این موضوع ارائه می‌دهد؟»

انصاری در پاسخ گفت این پویش بیشتر بر بخش فرهنگی تمرکز دارد، اما این بخش را مکمل اقداماتی می‌داند که دولت باید انجام دهد.

او گفت: «سازوکار اقتصادی مسئله بسیار مهم است. بسیاری از مشکلات ما صرفاً با کار فرهنگی حل نمی‌شود و باید در کنار آن از ابزارهای اقتصادی استفاده کرد. برای این موضوع برنامه جامعی تدوین شده است که گام‌به‌گام پیش می‌رود. در وهله نخست می‌توان همه مشکلات را هم‌زمان حل کرد.» او در ادامه نمونه‌ای از اقدامات اتحادیه اروپا را مطرح کرد و گفت: «در اتحادیه اروپا، بشقاب، قاشق و نی‌های یک‌بارمصرف ممنوع شده است، اما این اقدام با توجه به بافت فرهنگی جامعه آن مناطق انجام شده و آنها نیز گام‌به‌گام به این مرحله رسیده‌اند.»

انصاری افزود: «در مرحله نخست باید بسترهای اجتماعی را آماده کنیم و با توجه به شرایط جامعه، قدم‌به‌قدم پیش برویم و از ابزارهای اقتصادی استفاده کنیم تا کاهش مصرف پلاستیک و تولید پسماند محقق شود. این برنامه‌ها برای اجرا به استمرار نیاز دارند و نباید به افراد و دولت‌ها وابسته باشد. همچنین دولت و بخش‌های حاکمیتی باید از آنها حمایت کنند.»

ترکس فلاح، سرپرست دفتر مدیریت پسماند سازمان حفاظت محیط زیست، نیز گفت: «این ستاد و دبیرخانه به این دلیل تشکیل شد که این پویش را

صرفاً فرهنگی نمی‌دانیم. برای آن شورای سیاست‌گذاری در نظر گرفته شده است تا اهداف کلان و راهبردهای اصلی را مشخص کند.»

❗ بعد از جنگ، کیسه‌های زیست‌تخریب‌پذیر توجیه اقتصادی یافتند

فلاح درباره افزایش هزینه تولید پلیمرها پس از جنگ و تأثیر آن بر استفاده از کیسه‌های زیست‌تخریب‌پذیر گفت: «با افزایش هزینه تولید کیسه‌های پلاستیکی مشتق از صنایع پتروشیمی، کیسه‌های کمپوست‌پذیر توجیه اقتصادی پیدا کردند. در واقع می‌توان گفت قیمت تولید این دو نوع کیسه به یکدیگر نزدیک شده است و می‌توان به سمت استفاده از کیسه‌های کمپوست‌پذیر رفت.»

او ادامه داد: «کارگروه‌های فنی در این زمینه تشکیل شده‌اند تا از مجموعه‌هایی که توانایی تولید کیسه‌های زیست‌تخریب‌پذیر دارند، حمایت کنیم و به آنها آموزش دهیم تا بتوانند از پلیمرهای جایگزین استفاده کنند.» فلاح گفت: «تولیدکنندگان پلیمرهای جایگزین نیز در کشور شناسایی شده‌اند. در صنعت پتروشیمی نیز به این سمت حرکت کرده‌ایم تا پلیمرهایی تولید کنیم که ما را از واردات پلیمرهای زیست‌تخریب‌پذیر بی‌نیاز کند.» او افزود: «همچنین به دنبال ایجاد کارخانه‌های تخصصی مدیریت پسماند و بازیافت هستیم؛ زیرا در حال حاضر کمتر از ۱۰ درصد پسماندهای کشور بازیافت می‌شوند. ما هر سال از ادارات کل استان‌ها میزان تولید پسماند را دریافت می‌کنیم. اگرچه در بخش صنایع، به دلیل مدیریت اطلاعات در سامانه جامع محیط زیست، آمار دقیق‌تری وجود دارد. متولی پسماندهای شهری نیز وزارت کشور است و ما این آمار را از وزارت کشور دریافت و صحت‌سنجی می‌کنیم.»

❗ جزئیات پویش

فلاح درباره تشکیل ستاد و دبیرخانه دائمی این پویش گفت کمیته‌های مختلفی، از جمله کمیته راهبردی و کارگروه فرهنگی، آموزشی و مشارکت مردمی، برای پیگیری اهداف تعیین‌شده تشکیل شده‌اند.

به گفته او، یکی از کارگروه‌های مهم، کارگروه پژوهش، فناوری و جایگزین‌های سبز است: «زمانی که درباره کاهش مصرف پلاستیک صحبت می‌کنیم، ضروری است به جایگزین‌های سبز فکر کنیم و زیرساخت‌های لازم برای آن ایجاد شود. این بخش وظیفه شناسایی و معرفی راهکارهای سبز را برعهده دارد.»

او افزود: «در سال‌های اخیر بحث کیسه‌های زیست‌تخریب‌پذیر مطرح بوده است و این پرسش همچنان وجود دارد که آیا همه این کیسه‌ها واقعاً زیست‌تخریب‌پذیر هستند یا خیر برای پاسخ به این پرسش، بررسی‌ها و آزمایش‌های لازم انجام شده است.» سرپرست دفتر مدیریت پسماند سازمان حفاظت محیط زیست درباره شاخص‌های پیشرفت کار دبیرخانه گفت: «شاخص‌هایی مانند آموزش، تفکیک از مبدأ، جایگزینی، بازیافت و... تعیین شده‌اند تا در سال‌های آینده به آنها دست یابیم. این برنامه در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تعریف شده است.»

او ادامه داد: «در برنامه کوتاه‌مدت قرار است دولت را ملزم کنیم میزان مصرف کیسه‌های پلاستیکی را در دستگاه‌های اجرایی به حداقل برساند و این موضوع با همراهی ذی‌نفعان دنبال شود. همچنین کارگروه امور حقوقی و پیگیری تشکیل شده است تا با توجه به قوانین، دستگاه‌ها را به انجام این اقدامات ملزم کند.»

فلاح در پایان گفت: «در این دبیرخانه، نقشه راه ملی برای کاهش آلودگی پلاستیک طراحی شده است. گام نخست این نقشه راه، شناسایی نقاط بحرانی است. پس از آن، بررسی نقاط ضعف زنجیره مدیریت پسماند، توسعه بازیافت، تقویت مسئولیت تولیدکنندگان، حمایت از جایگزین‌های سازگار با محیط زیست و گسترش فرهنگ‌سازی و مشارکت عمومی تدوین خواهد شد و وظایف هر دستگاه به‌صورت مشخص تعیین می‌شود.»

ا خبر ا

الگوی جدید تغییرات مواد مغذی در خلیج فارس شناسایی شد

یکی از این مواد کمتر از نیاز باشد، رشد بسیاری از گونه‌ها محدود می‌شود و در مقابل، گونه‌هایی که وابستگی کمتری به آن عنصر دارند، فرصت گسترش پیدا می‌کنند.

این تغییر می‌تواند ترکیب فیتوپلانکتون‌ها و در ادامه، کل زنجیره غذایی دریا را دگرگون کند. این یافته‌ها می‌تواند به مدیران و برنامه‌ریزان محیط‌زیست دریایی کمک کند تا با شناخت دقیق‌تر تغییرات طبیعی و اثر فعالیت‌های انسانی، تصمیم‌های مؤثرتری برای حفاظت از خلیج فارس اتخاذ کنند.

مریم قائمی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه و نویسنده مسئول این پژوهش، درباره اهمیت این مطالعه می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، ارائه تصویری قابل‌اعتماد از تغییرات فصلی مواد مغذی در شمال خلیج فارس است. استفاده از روش یکسان در نمونه‌برداری و تحلیل باعث شد بتوانیم تغییرات واقعی میان تابستان و زمستان را با دقت بیشتری بررسی کنیم.»

نتایج پژوهش نشان داد در تابستان، به دلیل گرم‌شدن آب‌های سطحی و شکل‌گیری لایه‌بندی دمایی، اختلال آب کاهش می‌یابد و فسفر به مهم‌ترین عامل محدودکننده رشد فیتوپلانکتون‌ها تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، سیانوباکتری‌های فیتوپلانکتون‌ها هستند؛ جانداران نیتروژن موجود در جو را دارند، به گروه غالب فیتوپلانکتونی تبدیل می‌شوند.

در مقابل، در زمستان با سردشدن آب و افزایش اختلال عمودی، مواد مغذی از اعماق به سطح بازمی‌گردند و محدودیت فسفر تا حد زیادی برطرف می‌شود. در این فصل، نیتروژن به عنصر محدودکننده تبدیل و دیاتوم‌ها به گروه غالب فیتوپلانکتون‌ها تبدیل می‌شوند.

به گفته پژوهشگران، یافته‌های این مطالعه تنها تصویری از وضعیت کنونی اهمیت ندارد، بلکه می‌تواند به پیش‌بینی روندهای آینده این اکوسیستم نیز کمک کند./ ایرنا

پژوهشگران پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، الگوی جدید تغییرات مواد مغذی در خلیج فارس را شناسایی کردند؛ الگویی که می‌تواند به مدیریت بهتر کیفیت آب و حفاظت از اکوسیستم این پهنه آبی کمک کند.

نتایج پژوهشی که به‌تازگی در نشریه بین‌المللی «Marine Pollution Bulletin» منتشر شده است، نشان می‌دهد تغییرات فصلی در خلیج فارس، الگوی دسترسی به مواد مغذی را به‌طور چشمگیری تغییر می‌دهد؛ تغییری که می‌تواند بر تولید اولیه، زنجیره غذایی و سلامت این اکوسیستم دریایی اثرگذار باشد. این پژوهش را مریم قائمی و ابوالفضل صالح، اعضای هیئت علمی پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی و علوم جوی، انجام داده‌اند. این مطالعه بر پایه داده‌های حاصل از دو گشت تحقیقاتی دریایی در تابستان و زمستان سال ۱۴۰۰ انجام شده و برای نخستین‌بار تصویری دقیق و قابل‌مقایسه از تغییرات فصلی مواد مغذی در آب‌های شمالی خلیج فارس ارائه کرده است.

در نگاه نخست، اندازه‌گیری موادی مانند نیتروژن، فسفر و سیلیسیم شاید موضوعی تخصصی به نظر برسد، اما این عناصر در واقع غذای اصلی فیتوپلانکتون‌ها هستند؛ جانداران گیاهی میکروسکوپی شاورى که با انجام فتوسنتز، پایه زنجیره غذایی دریا را تشکیل می‌دهند.

تقریباً همه موجودات دریایی، از ژوپلانکتون‌ها و ماهیان کوچک تا ماهیان بزرگ‌تر، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فیتوپلانکتون‌ها وابسته‌اند. افزون بر این، این موجودات سهم مهمی در تولید اکسیژن زمین و جذب دی‌اکسیدکربن از جو دارند.

رشد فیتوپلانکتون‌ها به وجود مواد مغذی وابسته است؛ اما تنها مقدار این عناصر اهمیت ندارد، بلکه تعادل میان آن‌ها نیز نقشی تعیین‌کننده در سلامت اکوسیستم ایفا می‌کند. اگر

سیستان و بلوچستان

مقابله با چاه‌های غیرمجاز

ضرورتی راهبردی برای مهار کم‌آبی در سیستان و بلوچستان

زاهدان - ایرنا - تداوم خشکسالی، کاهش بارندگی و افت مستمر سطح آب‌های زیرزمینی در سیستان و بلوچستان، حفاظت از منابع آبی و مقابله با برداشت‌های غیرمجاز را به یکی از اولویت‌های اساسی این استان تبدیل کرده است.
استانی که بخش زیادی از نیازهای آبی آن به منابع زیرزمینی وابسته است و هرگونه بهره‌برداری خارج از ضابطه می‌تواند تعادل آبخوان‌ها را با چالش جدی مواجه کند.

به گزارش ایرنا، سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از استان‌های کم‌بارش کشور سال‌هاست با پیامدهای خشکسالی دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ شرایطی که فشار مضاعف بر سفره‌های زیرزمینی وارد کرده است. در این میان، آب‌های زیرزمینی به مهم‌ترین پشتوانه تأمین آب برای کشاورزی، شرب و معیشت مردم تبدیل شده و همین موضوع، ضرورت صیانت از این منابع را دوچندان کرده است.
مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای سیستان و بلوچستان با اشاره به اجرای طرح احیا و تعادل‌بخشی از سال ۱۳۹۲ گفت: تاکنون سه هزار و ۷۶۳ حلقه چاه غیرمجاز در استان مسدود شده و این اقدام به صرفه‌جویی ۱۱۴ میلیون مترمکعبی منجر شده است. همچنین پنج هزار و ۳۶۹کنتور هوشمند برروی چاه‌های کشاورزی نصب شده که بیش از ۶۵ میلیون مترمکعب صرفه‌جویی به همراه داشته است.

اصفهان

عضو هیئت‌رئیشه اتحادیه پیتزا و فست فود اصفهان:

کشیدن سیگار در محل تهیه غذای فوری خط قرمز ما است

بهمن توکلی فرد - اصفهان - ایرنا - عضو هیئت‌رئیشه اتحادیه پیتزا و فست فود استان اصفهان با تشریح وضعیت واحدهای صنفی این بخش، از فعالیت یک هزار و ۳۱۰ واحد دارای پروانه کسب معتبر در سطح استان خبر داد و گفت: در مقابل، نزدیک به ۴۰۰ واحد نیز بدون پروانه فعالیت می‌کنند و همچنان در نوبت دریافت مجوز و تعیین تکلیف قرار دارند؛ موضوعی که روند نظارت، سامان‌دهی و کنترل کیفی این صنف را با پیچیدگی رویه‌ور کرده است.

مرتضی اساسی در گفت‌وگو با خبرنگاران، یکی از مهم‌ترین مشکلات ساختاری این صنف را نبود آموزش اجباری و تخصصی برای فعالان این حوزه عنوان کرد و افزود: در حال حاضر هیچ‌گونه دوره آموزشی مشخص و فراگیری از سوی سازمان فنی و حرفه‌ای برای اعضای صنف برگزار نمی‌شود و همین‌ خلاً، به‌صورت مستقیم بر کیفیت خدمات، رعایت ضوابط و میزان نارضایتی مشتریان اثر گذاشته است. وی با استناد به پرونده‌های ارجاعی به مراجع حل اختلاف اظهار کرد: بررسی‌ها نشان می‌دهد ۹۰ درصد شکایات ثبت‌شده پس از رسیدگی، به نفع مشتریان پایان‌یافته و منجر به برکومیت واحدهای صنفی شده‌است؛ آماری که ضرورت بازنگری در آموزش و نظارت را دوچندان می‌کند.

اساسی همچنین به فشارهای اقتصادی وارد بر این صنف اشاره‌کرد و گفت: افزایش بی‌رویه قیمت مواد اولیه، به‌ویژه روغن، هزینه

۰۳۱-۳۷۷۳۴۸۲۳

۰۳۱-۳۷۷۱۰۵۰۸

اردبیل

مهتاب ۱۰ مرحله‌ای در برق اردبیل

اردبیل - سعادت‌ی - مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل از اجرای موفق ۱۰ مرحله اقدام جهادی طرح ملی «مهتاب» و در این استان خبر داد و گفت: این طرح باهدف مدیریت هوشمند تلفات انرژی برق، صیانت از حقوق مشترکان قانون‌مدار و افزایش پایداری شبکه، از ابتدای سال جاری تا ۲ تیرماه هم‌زمان با سراسر کشور در اردبیل اجرا شده است.

ناصر عبدالهیان اظهار کرد: در قالب این رزمایش سراسری، نصب کنترلهای هوشمند، کنترل مشترکان پرمصرف، جمع‌آوری انشعابات غیرمجاز و کاهش تلفات شبکه برق در دستور کارگروه مجهرهای عملیاتی شرکت توزیع نیروی برق استان قرار گرفت.

وی افزود: در طول ۱۰ مانور برگزارشده، ۴ هزار و ۴۳۲کنتور معیوب برق مراتب طبق اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۱۰ آئین نامه قانون ثبت اعلام می‌شود که هر کس نسبت به کیلووات‌ساعت انرژی احصا شده است، همچنین ۴ هزار و ۶۰۰مورد انشعاب غیرمجاز شناسایی و بیش از ۱۱ کیلومتر کابل غیرمجاز جمع‌آوری شد که نتیجه آن، احصای بیش از ۲۴ میلیون کیلووات‌ساعت انرژی بوده است.

پیام ایران

عملیات اجرایی نیروگاه «گاوشان» آغاز می‌شود

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای کرمانشاه از آغاز عملیات اجرایی نیروگاه برق‌آبی گاوشان در آینده نزدیک خبر داد.

بهرام درویشی در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان کرمانشاه گفت: سد گاوشان ظرفیت قابل توجهی برای راه‌اندازی نیروگاه برق‌آبی دارد و تجهیزات مورد نیاز نیز خریداری شده است. پیشرفت فیزیکی این نیروگاه حدود ۸۴ درصد و ظرفیت آن ۴.۵ مگاوات شامل دو واحد ۳.۵ و یک مگاوا تی است.

وی با اشاره به طرح سازگاری با کم‌آبی در برنامه هفتم توسعه، از نصب بیش از ۴۰۰ کننتور هوشمند بر روی چاه‌های مجاز استان از ابتدای امسال خبر داد و ابراز امیدواری کرد امسال حدود هزار کننتور نصب شود. وی همچنین از انسداد ۱۴۳۸ حلقه چاه غیرمجاز در سال گذشته یاد کرد و گفت: امسال نیز این روند با جدیت دنبال می‌شود.

درویشی افزود: سال گذشته حدود ۶۰ میلیون مترمکعب در مصرف آب‌های زیرزمینی صرفه‌جویی شد و موظفیم تا پایان برنامه هفتم توسعه، برداشت از منابع زیرزمینی را از ۹۸۵ به ۵۶۸ میلیون مترمکعب کاهش دهیم و در مقابل، برداشت از آب‌های سطحی را از ۶۲۵ به ۱۱۰۰ میلیون مترمکعب برسانیم. وی از تدوین طرح جامع آب شرب استان و تأمین آب شرب شهرها را سدهای مختلف خبر داد و گفت: حدود ۱۷ میلیون مترمکعب از پساب تصفیه‌شده شهر کرمانشاه در اختیار صنایع شرق استان قرار خواهد گرفت.

کرمانشاه

هشدار امنیتی درباره ناترازی گاز

شهرکرد - شاهرودی - در نشست اضطراری مدیریت بحران سوخت کشور، بر ضرورت عبور از شرایط حساس زمستانی با عنز ملی، انضباط در مصرف گاز و مدیریت هوشمند انرژی تأکید شد. این نشست ویدئوکنفرانسی با حضور مدیران ارشد شرکت ملی گاز ایران، مدیران عامل شرکت‌های گاز استانی و مقامات عالی‌رتبه امنیتی و حراستی سازمان اطلاعات استان‌های کشور برگزار شد.

جهانبخش سلیمیان، مدیرعامل شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری، با اشاره به مصوبات این جلسه گفت: وضعیت فعلی تولید و مصرف گاز تنها یک مسئله فنی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت پایدار کشور و پایداری شبکه سراسری ارتباط دارد. وی افزود: درک نادرست از شرایط مصرف، خط قرمز شرکت گاز است و هرگونه بی‌توجهی به الگوهای مصرف می‌تواند پایداری خدمات در بخش‌های حیاتی مانند بیمارستان‌ها، ثانوایی‌ها و صنایع راهبردی را تهدید کند. وی با بیان اینکه حضور مدیران امنیتی و حراستی در این نشست نشان‌دهنده حساسیت موضوع است، تأکید کرد: کاهش مصرف در بخش‌های اداری، تجاری و صنایع غیرضروری، نقش مهمی در حفظ جریان پایدار گاز دارد. سلیمیان همچنین از تشدید نظارت‌های میدانی بر کنترلهای ایستگاه‌های تقطیل فشار خبر داد و گفت: کوچک‌ترین اهمال در این زمینه تحت رصد نهادهای نظارتی قرار می‌گیرد.

شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری نیز اعلام کرد با آمادگی کامل تیم‌های عملیاتی، مدیریت مصرف و رعایت نکات ایمنی، زمستانی پایدار و بدون دغدغه برای مشترکان رقم خواهد خورد.

همدان

مدیرکل امور مالیاتی استان همدان:

فرهنگ مالیاتی، زیربنای عدالت اقتصادی رونق تولید و توسعه پایدار است

همدان - پرویزی سالار- هم‌زمان با هفته فرهنگ مالیاتی، مدیرکل امور مالیاتی استان همدان با تأکید بر نقش فرهنگ مالیاتی در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور گفت: مالیات امروز تنها منبع درآمدی دولت نیست، بلکه ابزاری مهم برای تحقق عدالت اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، حمایت از تولید، تأمین خدمات عمومی و دستیابی به رشد پایدار به شمار می‌رود.

وجه‌الله ذکوری اظهار کرد: فرهنگ مالیاتی بر پایه اعتماد متقابل میان مردم و نظام مالیاتی شکل می‌گیرد و در این مسیر، تکریم مؤدیان، توسعه خدمات الکترونیکی، هوشمندسازی فرایند‌ها، اطلاع‌رسانی شفاف و تسهیل انجام تکالیف مالیاتی از مهم‌ترین رویکردهای سازمان امور مالیاتی است.

وی با اشاره به اجرای تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم استان همدان بدون نیاز به ارائه اظهارنامه و از طریق مالیات مقطوع تعیین تکلیف شدند، همچنین بیش از ۹۵۰ درصد مؤدیان مشاغل استان از پرداخت مالیات معاف شدند که این موضوع نشان‌دهنده رویکرد حمایتی نظام مالیاتی از اصناف، کسب‌وکارهای کوچک و صاحبان مشاغل خرداست.

مدیرکل امور مالیاتی استان همدان ادامه داد: تمرکز اصلی سازمان بر اخذ مالیات از مؤدیان دارای درآمد‌های بالا و نیز شناسایی و مقابله با فرار مالیاتی است. به گفته وی، عدالت مالیاتی از اصول اساسی نظام مالیاتی به شمار می‌رود و استفاده از فناوری‌های نوین، توسعه شفافیت اقتصادی و مقابله با فرار مالیاتی، زمینه‌ت تحقق این عدالت را فراهم می‌کند.

ذکوری در پایان ضمن گرامیداشت هفته فرهنگ مالیاتی، از همراهی مؤدیان، اصناف، فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان قدردانی کرد و گفت: اداره کل امور مالیاتی استان همدان با رویکرد عدالت‌محوری، شفافیت، با جدیت دنبال می‌کند.



نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی یک‌مر حله‌ای همراه با ارزیابی کیفی

واگذاری نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های پروژه‌های شرکت توزیع

- نام دستگاه مناقصه گزاری:** شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل
- آدرس مناقصه گزار:** اردبیل - شهرک اداری بعثت (کارشناسان)، شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل - تلفن‌های ۰۹-۳۳۷۴۱۶۱-۰۴۵
- موضوع مناقصه:** واگذاری عملیات نظارت بر حسن اجرای فعالیت‌های بهره‌برداری، ایمنی و پروژه‌های سرمایه‌ای و فعالیت‌های فروش و خدمات مشترکین در سطح شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل، طبق شرایط و شرح خدمات مربوطه به پیمانکاران واجد شرایط طبق شرایط مندرج در اسناد ارزیابی کیفی
- سپرده شرکت در مناقصه:** اسپرد شرکت در مناقصه به مبلغ ۰۰۰,۶۶۰,۸۲۱ ریال می‌باشد.
- محل خرید اسناد مناقصه:** کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
- واجدین شرایط** می‌توانند از روز یکشنبه مورخه ۲۱ / ۰۴ / ۱۴۰۵ لغایت روز یکشنبه مورخه ۲۸ / ۰۴ / ۱۴۰۵ نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه فوق‌الذکر اقدام نمایند.
- با توجه‌به اینکه** مناقصه یک‌مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی می‌باشد، اسناد ارزیابی کیفی شرکت‌کنندگان ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۲ / ۰۵ / ۱۴۰۵ بازگشایی و جهت ارزیابی به کمیسیون فنی بازگانی ارسال و تاریخ بازگشایی پاکت الف و ب و ج در همین جلسه اعلام خواهد شد.
- تاریخ مهلت و محل تحویل اسناد مناقصه:** مناقصه‌گران پس از دریافت و مطالعه اسناد پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۲ / ۰۵ / ۱۴۰۵ اسناد مربوطه را به هر دو روش زیر: (الف) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

تاریخ انتشار نوبت اول: ۰۴/۲۱/۱۴۰۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۴/۲۲/۱۴۰۵

خبر

ارتقای تأسیسات آب‌رسانی پاسگاه‌های مرزی «زیرکوه»

مدیر امور آب‌وفاضلاب شهرستان زیرکوه از اجرای مجموعه‌ای از اقدامات فنی برای مدیریت بهینه تأسیسات آب‌رسانی و ارتقای سطح خدمات‌رسانی به پاسگاه‌های مرزی این شهرستان خبر داد.

امیر خدایپرست گفت: مجتمع آب‌رسانی پاسگاه‌های مرزی زیرکوه یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های آب‌رسانی شهرستان به شمار می‌رود که ۱۵ پاسگاه مرزی و بیش از ۱۰ برجک مرزبانی را تحت پوشش دارد و به دلیل شرایط خاص منطقه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

وی افزود: در همین راستا، تیم‌های عملیاتی امور آب‌رسانی شهرستان طی یک عملیات فشرده یک‌هفته‌ای، ضمن رصد کامل تأسیسات، نسبت به به‌روزرسانی و واردمدار کردن تعداد قابل‌توجهی از تجهیزات کنترلی جدید در این مجتمع اقدام کردند.

مدیر امور آب‌وفاضلاب شهرستان زیرکوه ادامه داد: این اقدامات باهدف ارتقای زیرساخت‌های موجود، افزایش بهره‌وری و بهبود عملکرد تأسیسات مکانیکی، الکتریکی و الکترومپ‌های مجتمع انجام شده است و انتظار می‌رود با اجرای آن، نظارت بر فرایند آب‌رسانی و پایداری خدمات در این مجموعه به شکل محسوسی افزایش یابد. خدایپرست با اشاره به اهمیت تأمین آب پایدار برای یگان‌های مرزی خاطرنشان کرد: در جلسات مختلف، مقامات سیاسی، نظامی و انتظامی بر ضرورت تأمین مناسب آب این مراکز تأکید داشته‌اند و از عملکرد جهادی و تلاش‌های شایسته‌روزی مجموعه آب‌فای شهرستان زیرکوه در این زمینه اعلام رضایت شده‌است.



اسدی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای مرکزی:

ذخایر سدهای الغدیر و کمال صالح به مرز بحران رسید

مرکزی، آزاده فراهانی - مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای مرکزی گفت: وضعیت ذخایر سدهای الغدیر ساوه و کمال صالح به دلیل کاهش چشمگیر بارش‌ها و افت شدید حجم مخازن، به مرحله بحرانی رسیده‌است.

حسین اسدی در گفت‌وگو با پیام ما افزود: سد الغدیر ساوه که از ظرفیت اسمی ۲۷۷ میلیون مترمکعب برخوردار است، اکنون تنها ۲۴ و نیم‌میلیون مترمکعب آب دارد که این میزان کمتر از ۹ درصد ظرفیت کل مخزن است.

وی در تشریح وضعیت سد کمال صالح نیز اظهار کرد: این سد با ظرفیت ۹۵ میلیون مترمکعب، در حال حاضر حدود ۶۵ میلیون مترمکعب ذخیره دارد که براین‌اساس تنها ۲۵ درصد از ظرفیت مخزن آن آبگیری شده‌است.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای مرکزی با تأکید بر لزوم درک اهمیت شرایط موجود تصریح کرد: وضعیت فعلی ذخایر سدهای استان نقش‌آرناوبند مدیریت هوشمندانه مصرف از سوی تمامی مشترکان و بخش‌های مختلف مصرف‌کننده‌است.

اسدی خاطرنشان کرد: استمرار این شرایط و تداوم خشکسالی‌ها ایجاب می‌کند تا اقدامات پیشگیرانه و برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی با جدیت بیشتری در دستور کار قرار گیرد تا بتوان از فصل‌های پیشرو با کمترین آسیب عبور کرد.

آب موردنیاز استان مرکزی از ۲ سد کمال صالح و الغدیر و حدود ۰۰۰ حلقه چاه تأمین می‌شود



شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل

ب) و همچنین پاکت‌های الف را بعد از بازگذاری در سامانه به‌صورت در بسته و لاک‌ومهر شده به‌صورت فیزیکی تا یک ساعت قبل از شروع جلسه مناقصه طبق توضیحات شرایط مناقصه به دبیرخانه شرکت واقع در (اردبیل - شهرک اداری بعثت - کارشناسان، شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل به کدپستی ۵۶۱۳۶۴۳۳۵۵ ارسال نمایند . پاکت‌های الفی که دیرتر از این مهلت تسلیم شود دریافت نخواهد گردید.

پیشنهاد دهندگان ملزم به ارسال اسناد به صورت الکترونیکی می‌باشند.

۸- محل برگزاری جلسه مناقصه: اتاق جلسه واقع در طبقه سوم شرکت می‌باشد . زمان برگزاری جلسه مناقصه (بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی) راس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۲ / ۰۵ / ۱۴۰۵ می‌باشد.

۱۰- حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده آنها در جلسه مناقصه آزاد می‌باشد .

۱۱- مناقصه در یک مرحله برگزار می‌گردد. (همراه با مرحله ارزیابی کیفی)

۱۲- دستگاه مناقصه گزار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می‌باشد .

۱۳- به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش یا گرفته یا قلم خورد، و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۱۴- پیشنهاد دهنده مکلف است معادل مبلغ سپرده، تضمین‌های معتبر تسلیم یا مبلغ مذکور را به حساب بانکی شرکت واریز و حسب مورد ضمانتنامه یا رسید واریز وجه به شرکت تسلیم نماید به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش یا مشروط، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۱۵- بهای پیشنهادی باید به مبلغ مشخص (بصورت اعداد و حروف تومان) تعیین و ارائه گردد.

۱۶- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است .

۱۷- جهت بازبینی آگهی به آدرس: سایت شرکت توانیر www.tavanir.org.ir و شبکه اطلاع‌رسانی مناقصات کشور <http://ets.mporg.ir> مراجعه فرمائید.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان اردبیل

روزنامه	
www.payamema.ir	
- دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵ - سال بیست و دوم - شماره پیاپی ۳۴۴۴	
توزیع تهران: نشرگستر (۳۰۰۰۰۰۱۶۱۹۳۲) توزیع استان‌ها: جراری (۸۹۱۲۱۳۱۳۰۸۹) چاپ: شاخه سبز (۵۸۳۳۴۴۴۵۶)	

روزنامه سیاسی – اجتماعی صاحب امتیاز ومديرمسئول:روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها:شبنم شکوربان مدیر هنری: تبوا صمدیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی دبیر گزارش: مهتاب جودکی دبیر میراث و گردشگری: فرزانه قبادی دبیر خبر: یاسر مختاری دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ وهنر: علی ملازاده صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده کارتن‌نقاش: چمنی ملازاده بازاریابی وتبلیغات: محمد زز اداری: فاطمه آقامالیی، شیواکوی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ها: www.payamema.ir/akhlagh	آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌زاده۰۹۰۵۸۲۱۲۵۵۹ آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰
 @payamema ۸۴۹۴ ۳۳۳ ۰۹۰۳ www.payamema.ir 	 payamema.adv@gmail.com ایمیل سازمان آگهی‌ها: www.payamema.ir www.payamema.ir

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ / تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
پلاک ۱۲- طبقه اول تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی –

نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی‌ها، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

تئاتر |

وقتی قدرت به بازتعریف میدان تئاتر می‌انجامد

چگونه با سانسور هم‌دست شدیم؟



ایلیا احمدی ا

اروزنامه نگارا

ریشه واژه «سانسور»، برخلاف برداشت رایج، به معنای حذف نیست. واژه لاتینی censere به معنای داوری، ارزش‌گذاری و برآورد کردن است. در جمهوری روم، censor مأموری برای خاموش کردن صداها نبود، بلکه درباره جایگاه اخلاقی واجتماعی شهروندان قضاوت می‌کرد. از همین رو، سانسور مسئله این یادداشت نیز دقیقاً همین سازوکار طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری است و حذف، آخرین مرحله این فرایند به شمار می‌رود. جالب آنکه نام نهاد صدور مجوز نمایش در ایران نیز «شورای نظارت و ارزشیابی» است؛ نهادی که در عنوان خود نسبت میان نظارت و ارزش‌گذاری را آشکار می‌کند. میشل فوکو نیز قدرت را صرفاً نیرویی بازدارنده نمی‌داند؛ قدرت ابتدا طبقه‌بندی می‌کند، سپس قضاوت و در نهایت محدودیت ایجاد می‌کند. مسئله این یادداشت نیز دقیقاً همین سازوکار است؛ زمانی که منطق ارزش‌گذاری و حذف، از نهادهای رسمی عبور می‌کند و در میان کنشگران و مخاطبان تئاتر نیز بازتولید می‌شود.

هیچ قدرتی از نمایشنامه‌ای که در قفسه کتابخانه مانده باشد، به اندازه متن یا ایده‌ای که روی صحنه جان می‌گیرد، هراس ندارد. اجرای زنده تنها بازنمایی یک ایده نیست؛ رخدادی اجتماعی است که بدن بازیگر، نگاه تماشاگر و فضای عمومی را در یک زمان و مکان گرد هم می‌آورد. به همین دلیل، تاریخ تئاتر همواره با تاریخ تلاش قدرت برای مهار صحنه - یکی از عرصه‌های شکل‌گیری افکار عمومی - گره خورده است.

با این حال، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که سانسور گاه تئاتر را نابود نمی‌کند، بلکه آن را بازآرایی می‌کند. محدودیت، زبان اجرا را تغییر



نخست |

شب مستند «آزادراه»

نهمد و پنجاهوهفتمین شب از شب‌های بخارا به مستند «آزادراه» ساخته محسن خان‌جهانی اختصاص یافته است. این نشست ساعت پنج بعدازظهر چهارشنبه بیست‌وچهارم تیرماه۱۴۰۵ باحضور کارگردان وسخنرانی مانیا شفاهی وعلی دهباشی دردانشکده جغرافیا برگزار می‌شود.

مستند «آزادراه» درباره روند ساخت آزادراهی در ایران است؛ آزادراهی که نزدیک به ۲ سال از آغاز ساخت آن می‌گذرد. این مستند به روند طولانی ساخت آزادراه تهران– شمال، دلایل طولانی‌شدن اجرای آن وعده‌های مسئولان که تاکنون محقق نشده، می‌پردازد. محسن خان‌جهانی معتقد است ثبت سرنوشت این آزادراه با ساخت این فیلم به پایان نرسیده و پرونده این اثر تا پایان ساخت جاده همچنان باز خواهد بود. ساخت فیلم «آزادراه» حدود ۷ سال به طول انجامیده و یکی از مهم‌ترین آثار این مستندساز به شمار می‌رود. بسیاری از سینماگران این فیلم را ستوده‌اند؛ ازجمله فریدون جیرانی که درباره این مستند با یادآوری فیلم «اون شب که بارون اومد» ساخته کامران شیردل گفت: «روایت مستند «آزادراه» به گونه‌ای است که مرا به یاد آن فیلم انداخت. به نظرم فکری که در پشت فیلم بوده، درآمده است و تکنیک فیلم در پلان‌های هوایی و تا حدودی مباحث آرتشیوی قابل تأمل و ارزشمند است.»

دانشکده جغرافیا در خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، نبش کوچه زریں‌کوب، ساختمان شماره یکم قرار دارد.



شب مستند آزادراه

با سخنرانی:

محسن خان‌جهانی

علی دهباشی

نمایش مستند «آزادراه» به کارگردانی محسن خان‌جهانی

چهارشنبه دهم دی‌ماه ۱۴۰۴، ساعت پنج بعد از ظهر دانشکده جغرافیه خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، نبش کوچه زریں‌کوب، ساختمان شماره یک، طبقه دوم

روزنامه سیاسی – اجتماعی صاحب امتیاز ومديرمسئول:روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها:شبنم شکوربان مدیر هنری: تبوا صمدیان دبیر عکس: یاسر خدیشی	
دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی دبیر گزارش: مهتاب جودکی دبیر میراث و گردشگری: فرزانه قبادی دبیر خبر: یاسر مختاری دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری	
دبیر فرهنگ وهنر: علی ملازاده صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده کارتن‌نقاش: چمنی ملازاده بازاریابی وتبلیغات: محمد زز اداری: فاطمه آقامالیی، شیواکوی	
رتبه روزنامه پیام ما : ۲	
نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.	
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ها: www.payamema.ir/akhlagh	آگهی استان‌ها: عرفانه بهرام‌زاده۰۹۰۵۸۲۱۲۵۵۹ آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰
 @payamema ۸۴۹۴ ۳۳۳ ۰۹۰۳ www.payamema.ir 	 payamema.adv@gmail.com ایمیل سازمان آگهی‌ها: www.payamema.ir www.payamema.ir

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰ / تلفن: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۰
پلاک ۱۲- طبقه اول تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی –

نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی‌ها، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

روزنامه سیاسی – اجتماعی

صاحب امتیاز ومديرمسئول:روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها:شبنم شکوربان مدیر هنری: تبوا صمدیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی دبیر گزارش: مهتاب جودکی دبیر میراث و گردشگری: فرزانه قبادی دبیر خبر: یاسر مختاری دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دکند. در چنین وضعیتی، سانسور از یک دستور اداری به عادتی فرهنگی تبدیل می‌شود؛ عادتی که به‌تدریج در رفتار نویسندگان، کارگردانان، مدیران سالن‌ها، رسانه‌ها ومخاطبان رسوخ می‌کند. سانسور افقی (Lateral Censorship) درمطالعات مربوط به تئاتر فرانسه پس از انقلاب، برای توضیح سازوکاری به کار رفت که در آن کنترل فرهنگی به سراسر شبکه تولید و دریافت تئاتر منتقل می‌شود. در این نگاه، دولت تنها یکی از بازیگران میدان است و دیگر بازیگران میدان تئاتر با واکنش‌های خود به شکل‌گیری محدودیت‌های تازه دامنی می‌زنند. همه این نمونه‌ها را ما در ایران سال‌های اخیر تجربه کرده‌ایم؛ سانسور سیاسی وایدئولوژیک. اگر بپذیریم مهم‌ترین اثر سانسور، حذف یک جمله یا توقیف یک اجرا نیست و اتفاقاً دستکاری افق تخیل هنرمند است، در این صورت نویسنده از لحظه آغاز به آنچه «قابل اجرا» یا «غیرقابل اجرا» است، می‌اندیشد و سانسور پیش از تولید اثر آغاز می‌شود. در چنین وضعیتی، مسئله دیگر فقط حذف نیست؛ شکل دادن به امکان اندیشیدن است. به تعبیر دیگر، سانسور هر آنچه قابل تصور باشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ما، کنشگران میدان تئاتر، باید از خود پرسیم که در سال‌های اخیر چه اندازه شرایط را برای خیال و تصور یک کارگردان، نویسنده و بازیگر دشوار کرده‌ایم؟

این بازتعریف، تصویر کلاسیک از سانسور را درگروین می‌کند. قدرت دراینجا میان بازیگران مختلف توزیع می‌شود و هر یک به سهم خود در تعیین مرزهای گفتنی ونگفتنی ایفای نقش می‌کنند.خودسانسوری در این تعریف، صرفاً واکنشی فردی به ترس از برخورد نهاد حاکمیتی نیست؛ بلکه باید آن را محصول ساختاری دانست که در آن هنجارهای سیاسی، اقتصادی واجتماعی در هم تنیده‌اند. البته این به معنای کم‌رنگ شدن نقش دولت نیست. برعکس، دولت همچنان مهم‌ترین بازیگر میدان است، اما موفقیت آن در این است که موافقان و مخالفان را به بخشی از سازوکار کنترل تبدیل کند. هرچه این شبکه گسترده‌تر شود، نیاز به مداخله مستقیم کمتر خواهد شد. درچنین شرایطی، قدرت از طریق پیش‌بینی،انتظار ومحاسبه مصلحت‌اندیشانه فعالان هنری بازتولید می‌شود. پارادوکس بزرگ نیز همین‌جا آشکار می‌شود؛ اگر سانسور تا این اندازه در تار و پود تولید نفوذ دارد، چگونه بسیاری از مهم‌ترین آثار تاریخ تئاتر دقیقاً در دل همین محدودیت‌ها پدید آمده‌اند؟ شاید پاسخ این باشد که معنا به لایه‌های دیگری از اجرا مهاجرت می‌کند؛ به بدن‌ها، نور، سکوت، میزانس، موسیقی، ریتم و حتی آنچه بیان نمی‌شود. به این ترتیب، مبارزه اصلی دیگر فقط بر سر «اجازه اجرا» نیست، بلکه بر سر شیوه تولید معنا و مفاهیم است. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر دریافت مجوز اجرا برای یکی از نقاط چالش‌برانگیز میان فعالان میدان تئاتر ایران بدل شده است، اکنون از این منظر افق متفاوتی شکل می‌گیرد. اینکه ایجاد چنین چالشی وتحمل انتخاب‌های سیاسی به هنرمند با سانسور درسطح کلان چه نسبتی برقرار می‌کند؟ بنابراین، اگر سانسور را صرفاً به حذف یک نمایش یا ممنوعیت اجرای متن فروبگاییم، مهم‌ترین پیامد آن را نادیده گرفته‌ایم؛ زیرا در چنین موقعیت‌هایی مسئله اصلی هنرمند دیگر «چه

نهاد رسمی تئاتر هنوز می‌تواند محل گفت‌وگو باشد؟

زیرا در دهه‌های گذشته، راهبرد بسیاری از هنرمندان بر این پیش‌فرض استوار بود که صحنه رسمی، با وجود همه محدودیت‌ها، همچنان امکان نوعی توجه بگذره را فراهم می‌کند. اما اگر این پیش‌فرض از میان برود، مسئله دیگر صرفاً تغییر فرم نیست، بلکه تغییر میدان تئاتر است. در چنین شرایطی، پرسش اصلی دیگر «چگونه اجرا کردن» نیست، بلکه «کجا اجرا کردن» است. البته باید توجه داشت که این جابه‌جایی صرفاً تغییری مکانی نیست و تئاتر برای تداوم خود به شبکه‌ای از سالن‌ها، گروه‌ها، مخاطبان و مناسبات تولید نیاز دارد. هرگاه این شبکه دچار گسست شود، مسئله از سانسور فراتر می‌رود و به بازتعریف میدان تئاتر می‌انجامد.

از همین منظر، شاید مهم‌ترین تحول سال‌های اخیر نه شکل‌گیری دوگانه «تئاتر رسمی» و «تئاتر غیررسمی»، بلکه ظهور اشکال متنوع‌تری از تولید تئاتر باشد؛ از اجراهای محدود در فضاهای خصوصی و خواش متن‌هایی که علاقه‌ای به دریافت مجوز ندارند تا پروژه‌های فراملی، اجراهای آنلاین و همکاری با گروه‌های تبعیدی و مهاجر. این اشکال الزماً جایگزین یا ضدیکدیگر نیستند، بلکه لایه‌های تازایی از زیست‌بوم تئاتر را شکل می‌دهند. اینجاست که نویسنده معتقد است باید از هرگونه دوگانه‌سازی پرهیز کرد. خروج از ساختار رسمی، به‌خودی‌خود فضیلتی هنری نیست؛ همان‌گونه که ادامه فعالیت در آن نیز الزاماً به معنای تأیید فضای رسمی نیست. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هنرمندان، بسته به شرایط تاریخی، امکانات حرفه‌ای و انتخاب‌های شخصی، مسیرهای متفاوتی برمی‌گزینند. رویکردی که بیش از هر چیز نیازمند نقد است، سازوکاری است که با ارزش‌گذاری‌های سیاسی و اخلاقی، میدان تئاتر را به دوگانه‌های ساده «ماندن یا رفتن» و «مقاومت یا سازش» فرو می‌کاهد؛ سازوکاری که کارکردی جز قضاوت و سانسور ندارد.

اگر بپذیریم در سال‌های اخیر، بسیاری از ما با سانسور هم‌دست شده‌ایم، باید دست به خودانتقادی بزنیم و تغییر رویه دهیم.

خلاصه

خلاصیت محصول سانسور

نیست، بلکه محصول مقاومت

هنرمند در برابر سانسور است

با این حال، شیوه‌های

مقاومت متفاوت است

و درک این موضوع اهمیت دارد

در یک سو، سانسور به‌اشتباه

نیرویی خلاق جلوه می‌کند

در سوی دیگر، عاملیت همچنان

در اختیار هنرمندی است

که می‌کوشد امکان بیان

را در دل محدودیت حفظ کند

مسیر عبور خودرو بازتر شود؟ چرا فضای شهری به پارکینگ، توقفگاه و محل عبور خودرو تبدیل می‌شود، اما وقتی نوبت به مسیر دوچرخه می‌رسد، همان فضا نیز

کالایی قابل اجاره تلقی می‌شود؟ اگر واقعاً اولویت، کاهش آلودگی، کاهش ترافیک و ارتقای کیفیت زندگی است، چرا کم‌هزینه‌ترین و سالم‌ترین شیوه جابه‌جایی، این چنین بی‌دفاع رها شده است؟ در این میان، راهور نیز نمی‌تواند خود را کنار بکشد؛ زیرا بخشی از سال‌ها به وضعیت محصول همان نگاه خودرومحوری است که این عابر در تصمیم‌گیری‌های ترافیکی تهران غالب بوده است. در چنین نگاهی، خیابان اساساً برای روان‌کردن حرکت خودرو تعریف می‌شود و هر کاربر دیگری - عابر، دوچرخه‌سوار، کودک، سالمند و فرد کم‌توان - باید خود را با این منطق تطبیق دهد. این در حالی است که در همه الگوهای مدرن مدیریت ترافیک، اولویت باید با آسیب‌پذیرترین کاربران معبر باشد، نه با آلوده‌کننده‌ترین و پرهزینه‌ترین آن‌ها. راهور اگر واقعاً خود را مسئول نظم، ایمنی و حقوق عمومی می‌داند، باید دوچرخه را به‌عنوان وسیله نقلیه‌ای رسمی به رسمیت بشناسد، نه حضوری حاشیه‌ای و مزارم. تا زمانی که دوچرخه‌سوار در عمل نه حمایت می‌شود، نه امنیت دارد و نه حق مسیرش به رسمیت شناخته می‌شود، هر ادعایی درباره حمل‌ونقل پاک و شهر سالم، بیشتر به شعار شبیه است تا سیاست عمومی.

ماجرای ناصر خسرو نماد یک تفکر مدیریتی است؛ تفکری که در آن درآمد روزمره یا رفع موقت یک مسئله، بر اصول پایه‌ای اداره شهر ترجیح داده می‌شود. در چنین نگاهی، زیرساخت حمل‌ونقل پاک نه یک حق عمومی، بلکه فضایی است که هر زمان لازم باشد می‌توان آن را به نفع استفاده‌ای دیگر کنار گذاشت. این یعنی شهرداری هنوز دوچرخه را بخشی از آینده تهران نمی‌داند و تا زمانی که چنین نگاهی حاکم باشد، تمام حرف‌ها درباره توسعه پایدار، کاهش آلودگی و شهر انسان‌محور چیزی جز شعارهای بی‌پشتوانه نخواهد بود.

گفت‌وگو با «شمس لنگرودی» به بهانه انتشار کتاب «صبور مثل بذر زمستان»

پس از رنج، گشایش در راه است



اپیام ماگزینده‌ای از کتاب «فرج بعد از شدت» به انتخاب و مقدمه شمس لنگرودی با عنوان «صبور مثل بذر زمستان» از سوی نشر زون دنیا منتشر شد. کتاب «صبور مثل بذر زمستان» گزیده‌ای از داستان‌های اثر ارزشمند و کهن «فرج بعد از شدت» نوشته قاضی ابوالعی محسن تنوعی است که به انتخاب و مقدمه شمس لنگرودی و با تصویرگری فرشید پارس‌کیا، در قالب مجموعه ادبیات کهن نشر زون دنیا منتشر شده است. «محمد شمس لنگرودی»، شاعر و پژوهشگر ادبیات فارسی، درباره دلایل انتخاب ونحوه‌گزینش داستان‌های این کتاب می‌گوید: «در ادبیات کهن، آثار ارزشمند قابل توجهی وجود دارد؛ کتاب‌هایی که هم از نظر ادبی اهمیت دارند و هم آموزنده‌اند. البته به برخی از این آثار در کتاب‌های درسی نیز مراجعه شده است. یکی از این آثار «فرج بعد از شدت» است؛ کتابی که بارها ترجمه شده و برخی از ترجمه‌های آن نیز از میان رفته‌اند. ترجمه‌ای که من بر اساس آن کار کردم، با وجود اینکه در دوره نثر مصنوع و فنی پدید آمده است، نثری روان و خوش‌خوان دارد و همین ویژگی باعث شده مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، هم نثر شیوا و دلنشین آن و هم داستان‌های آموزنده‌اش از مهم‌ترین دلایل انتخاب این کتاب بود.» او اضافه می‌کند: «از سوی دیگر، نگاه خودم نیز با مضمون این اثر هم‌خوانی دارد؛ همان معنایی که حافظ در این بیت بیان می‌کند: «چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.» همان‌طور که شادابی پایدار نیستند، گرفتاری‌ها نیز همیشگی نخواهند بود. محور اصلی این کتاب نیز همین اندیشه است که پس از هر رنج و گرفتاری، گشایشی در راه است. این موضوع یکی دیگر از دلایل انتخاب این اثر بود.» لنگرودی با بیان اینکه «فرج بعد از شدت» کتابی است که کمتر در معرض دید مخاطبان امروز قرار گرفته است، ادامه می‌دهد: «می‌خواستم این کتاب دوباره مورد توجه قرار گیرد، به‌ویژه افرادی که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کنند؛ زیرا معتقدم خواندن چنین آثاری برای جوانان علاقه‌مند به ادبیات ضروری است. از آنجا که متن اصلی برای بسیاری از خوانندگان دشوار است، تلاش کردم با انتخاب داستان‌ها، حذف حشو و روانه توضیح واژه‌های دشوار، راهی برای آشنی میان کتاب‌خوان‌های امروز و ادبیات کهن ایجاد کنم.» او درباره داستان‌های گزینش‌شده در «صبور مثل بذر زمستان» می‌گوید: «این اثر در چند جلد تدوین شده است، اما من تنها داستان‌هایی را برگزیدم که هم به نگاه و سلیقه‌ام نزدیک‌تر بودند و هم نثر روان‌تر و شیرین‌تری داشتند. همچنین بخش‌هایی را که شامل تعارفات وحشو ورواژه فراوان بود، حذف کردم تا متن برای خواننده امروز خواندنی‌تر و جذاب‌تر شود. برای لنگرودی در پایان تأکید می‌کند: «به باور من، برای کسانی که در حوزه ادبیات فعالیت می‌کنند، چه در شعر چه در داستان و چه نمایشنامه، خواندن چنین آثاری ضروری است. زبان فارسی برای بیان مفاهیم مختلف، واژگان فراوانی دارد که هر یک ظرافت معنایی خاص خود را دارند. آشنایی با این تفاوت‌ها و درک دقیق ظرفیت‌های زبان، با شناخت ادبیات کهن امکان‌پذیر است.» کتاب «صبور مثل بذر زمستان» در ۲۸۶ صفحه و با قیمت یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، در قالبی نفیس وجذاب، به‌تازگی از سوی نشر زون دنیا روانه بازار کتاب شده است.

پس از رنج، گشایش در راه است

پس از رنج، گشایش در راه است

سازمان ثبت‌اسناد واملاک کشور	
اداره کل ثبت‌اسناد واملاک مازندران	
< آگهی فقدان سند مالکیت >>	
استشهادیه اثباتی که در دفترخانه ۱۹۹ بابل امضا شده و طی درخواست ۱۴۰۵/۰۴/۱۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۱، اعلام نمود ۲،۵ سهم شماع از شش‌دنگ پلاک ۰ فرعی از ۲۴۷۱ اصلی بخش دوبر، با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۵/۰۴/۰۳۱۳۹۹۳۱ سند صادر و تسلیم گردید. وسند اصلی در اثر جابجایی مفقود گردید و ایشان درخواست صدور سند اثباتی را داشته است. لذا در اجرای ماده ۱۲- اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و تبصره‌های ذیل آن در یک نوبت آگهی منتشر می‌گردد چنانچه نسبت به درخواست سند اثباتی معترضی باشد باید ظرف ۱۰ روز اصل سند مالکیت یا سند معامله را به این اداره ارائه فرمایند در غیر اینصورت این اداره به وظیفه قانونی خود عمل خواهد نمود.	
شمار سرال مفقودی: ۷۹۸۶۱-۱۴۰۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲	
سید مهدی حسینی کریمی - رئیس اداره ثبت‌اسناد واملاک بابل	
شناسه آگهی: ۲۲۲۵۲۲۱	